

دیدار خصوصی در سعدآباد

امیر قطر و مسعود پزشکیان در کاخ سعدآباد، پشت درهای بسته به گفت‌وگو نشستند
آنها سپس در حضور خبرنگاران از تقویت روابط و مناسبات جدید سخن گفتند
امیر قطر نیز تاکید کرد: بهترین راه حل نزاع‌هایی که وجود دارد، گفت‌وگوهای سازنده است



پیام یک دیدار

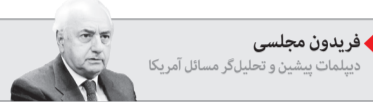
مسعود پزشکیان در دیداری سر زده به وزارت اقتصاد رفت تا هم از عبدالناصر همتی حمایت کند و هم برای بازار پیامی مثبت بفرستد



یادداشت روز

ختم منازعات

رئیس‌جمهور ایالات متحده در قبال جنگ اوکراین و غزه چه رویکردی دارد؟



فردینون مجلسی
دیپلمات پیشین و تحلیل‌گر مسائل آمریکا

مذاکرات آمریکا و روسیه در ریاض با محوریت اوکراین نشان از آن دارد که دولت ترامپ به دنبال ختم این منازعه است. در این میان دو نکته وجود دارد. نخست آنکه زلنسکی به عنوان رئیس‌جمهور اوکراین در رخ دادن این رویارویی خونین چندان بی‌تقصیر نیست. او مدافع اقداماتی بود که علیه اکثریت روس در اوکراین انجام می‌شد و حتی در قضیه الحاق جزیره کریمه به روسیه که ساکنان آن ریشه روسی دارند و خودشان به این الحاق رای مثبت دادند به صورت متفاوتی عمل کرد. در این راستا، عیب و ایراد پوتین این بود که از ابزار خشونت‌آمیز و تجاوزکارانه برای مقابله با اوکراین پرداخت و موجب کشتار انسان‌هایی شده که نزدیک‌ترین اشخاص به لحاظ فرهنگی و زبانی به روسیه قلمداد می‌شوند. بر این اساس، اعتقاد این است که جنگ روسیه و اوکراین باید یک جنگ داخلی محسوب شود؛ چرا که یک قوم و یک ملت با تفاوت‌های فرهنگی رایج در کشورها و ملت‌ها رودرروی هم قرار گرفتند که بهتر بود این اختلافات این‌گونه حل‌وفصل نمی‌شد.

از این جهت امیدوارم که کمک‌های بیشتر به زلنسکی تعلق نگیرد که اگر این‌گونه شود، باز هم کشته و زخمی‌های زیادی به بار خواهد آمد و این کشور زیبا بیش از هر زمان دیگر ویران می‌شود. این درحالی است که همین حالا هم میلیون‌ها اوکراینی در سراسر اروپا آواره هستند و تمام این مسائل نیاز به بازگشت شرایط عادی را بیش از پیش ملموس می‌کند. باید توجه شود که در اوکراین دو بار کودتا به تحریک خارج انجام شد و این دو اقدام خسارت‌هایی به این کشور بار کرد. بر همین اساس باید گفت که صلح و زندگی بشر در هر جای این کره خاکی مقدم بر هر سناریویی است و به این جهت ختم جنگ در اوکراین می‌تواند به این وضعیت پایان دهد. اما نکته دوم این است که ختم جنگ در اوکراین هم می‌تواند فشار بر ایران را هم کاهش دهد؛ چرا که اروپایی‌ها همچنان در حال برجسته کردن موضوع همکاری ایران و روسیه هستند و به همین دلیل پایان جنگ در این کشور می‌تواند ما را از این قید آزاد کند.

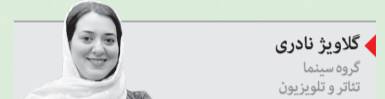
در این میان اروپایی‌ها هم نگران توافق ترامپ و پوتین بر سر اوکراین هستند اما اروپایی‌ها باید عادت کنند که «عادی» شوند. اروپایی‌ها از همه توقع عادی شدن رفتارشان را دارند اما آنها هم باید یاد بگیرند که اروپایان دنیا نیستند و نمی‌توانند برای دیگران تصمیم بگیرند. اروپا از گذشته به دلیل ثروت انبوهی که در روسیه وجود دارد، نگران پیشرفت و توسعه و تعمیق نفوذ مسکو بوده و حالا هم نگران همین مساله هستند. حتی خط لوله گاز که به اروپا می‌رود هم از روسیه سرچشمه می‌گیرد و اروپایی‌ها با تحرکات خود به دنبال ایجاد خلل در این راستا بودند. اروپایی‌ها باید بتوانند منافع خود را از مسیر مصالحه و صلح و در بازارهای سنتی خود بیابند. اروپایی‌ها بیش از حد خود را به آمریکا وابسته کرده بودند و حتی در قضیه پیروی از اجرای تحریم‌های آمریکا، جز خسارت چیزی نصیب آنها نشده است. خاورمیانه به عنوان بازار سنتی اروپا، حالا در اختیار چین قرار گرفته است و قاره سبز باید بداند که اگر منافی دارند، باید آن را با مذاکره و در شرایط برابر کسب کنند. از طرفی دیگر، کشورهای عربی منطقه بسیار ثروتمندتر و غنی‌تر از گذشته شده‌اند و صنایع آنها از نفت و گاز عبور کرده و به صنایع دیگر روی آورده‌اند و بازار آنها بزرگ‌تر شده است. این در حالی است که اروپایی‌ها سعی می‌کنند برای دفاع از اسرائیل و قرار گرفتن در پشت سر ایالات متحده، خاورمیانه را از دست ندهند.

ادامه در صفحه ۳

پایان یک جوانی

منوچهر والی‌زاده

از بزرگان عرصه دوبله
پس از یک دوره بیماری
در ۸۴ سالگی درگذشت
او دارای صدای جوانی بود
که هیچ‌گاه پیر نشد
سازندگی به زندگی و زمانه
او پرداخته است

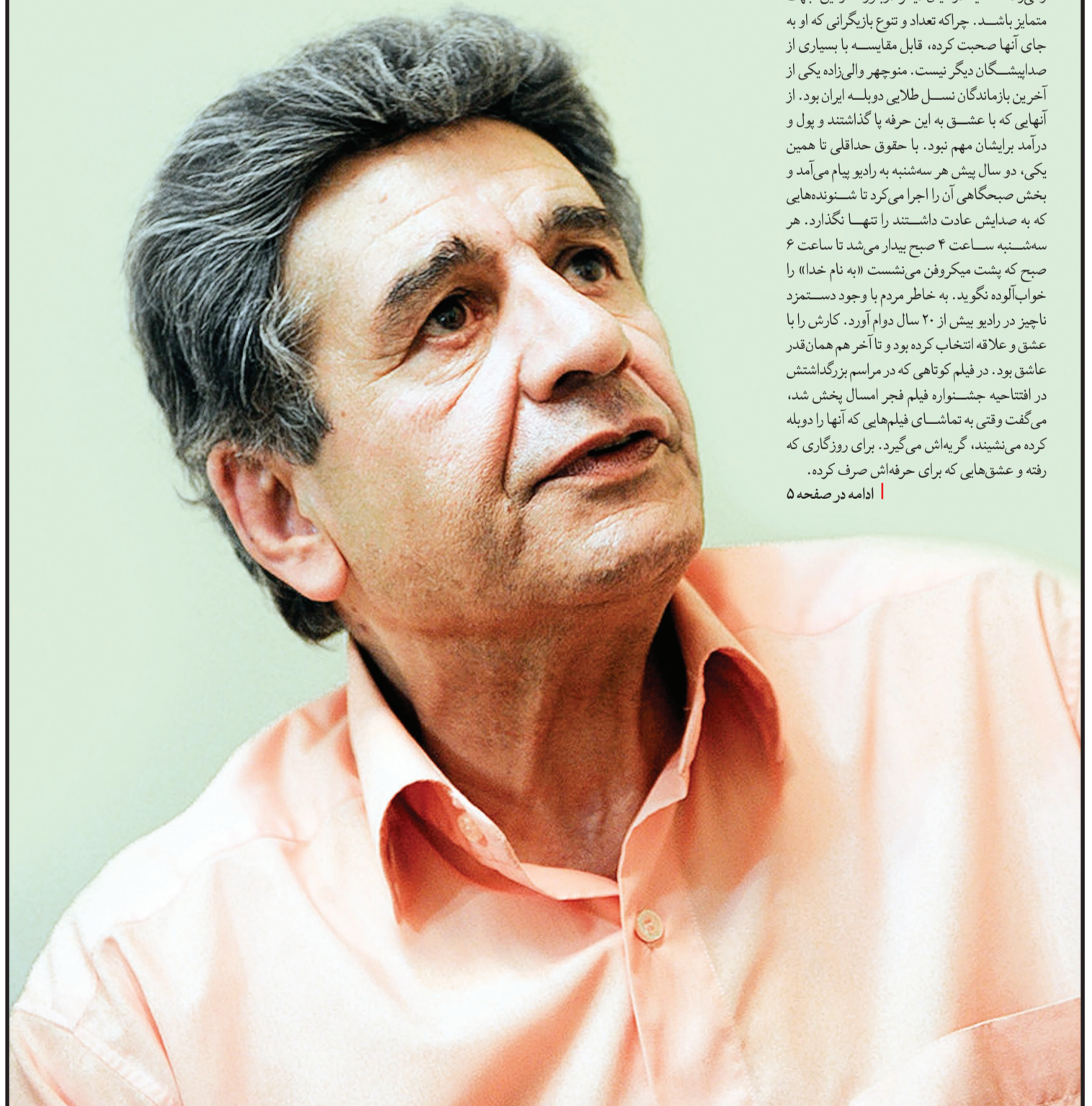


گلاویز نادری
گروه سینما
تئاتر و تلویزیون

صدایش تا همین اواخر هم جوان بود. با وجود اینکه پا به سن گذاشته بود همچنان صدایش روی جوانان می‌نشست. به او می‌گفتند، صدای اول جوانان دوبله. لحنش طوری بود که انگار هیچ وقت پیر نمی‌شد. کارنامه‌اش آنقدر در صدایشکی پرویمان است که به سختی می‌توان میان شخصیت‌هایی که او به جایشان صحبت کرده، یکی را بر دیگری تمیز داد. بیشتر فیلم‌های بازیگرانی چون تام کروز، تام هنکس، ادی مورفی، آنتونیو باندراس، بن افلاک، ویل اسمیت، جیمی فاکس، رابرت داونی جونیور، جیسون استاتهام، گری اولدن، ایوان مک گرگور، آکشی کومار، شاه‌رخ‌خان، عامرخان، سلمان‌خان و ... با صدای او به جای شخصیت اصلی دوبله شد.

والی‌زاده شاید در دیگر دوبلورها از این جهت متمایز باشد. چرا که تعداد و تنوع بازیگرانی که او به جای آنها صحبت کرده، قابل مقایسه با بسیاری از صدایشگان دیگر نیست. منوچهر والی‌زاده یکی از آخرین بازماندگان نسل طلایی دوبله ایران بود. از آنهایی که با عشق به این حرفه پا گذاشتند و پول و درآمد برایشان مهم نبود. با حقوق حداقلی تا همین یکی، دو سال پیش هر سه‌شنبه به رادیو پیام می‌آمد و بخش صبحگاهی آن را اجرا می‌کرد تا شنونده‌هایی که به صدایش عادت داشتند را تنها نگذارد. هر سه‌شنبه ساعت ۴ صبح بیدار می‌شد تا ساعت ۶ صبح که پشت میکروفن می‌نشست «به نام خدا» را خواب‌آلوده نگوید. به خاطر مردم با وجود دستمزد ناچیز در رادیو بیش از ۲۰ سال دوام آورد. کارش را با عشق و علاقه انتخاب کرده بود و تا آخر هم همان‌قدر عاشق بود. در فیلم کوتاهی که در مراسم بزرگداشتش در افتتاحیه جشنواره فیلم فجر امسال پخش شد، می‌گفت وقتی به تماشای فیلم‌هایی که آنها را دوبله کرده می‌نشیند، گریه‌اش می‌گیرد. برای روزگاری که رفته و عشق‌هایی که برای حرفه‌اش صرف کرده.

ادامه در صفحه ۵



سیاست

از نگاه تهدید محور به موضوعات دست برداریم

ظریف می گوید بدش نمی آید که شایعه عزل شدنش به حقیقت بپیوندد

محمدجواد ظریف که صبح چهارشنبه به عنوان سخنران آیین افتتاحیه هجدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران حضور یافته بود، قبل از آغاز سخنانش خود گفت: شایعه شده که من عزل شده‌ام، به همین خاطر باید زود این جلسه را ترک کنم و در جلسه هیات دولت باشم تا این شایعه تقویت نشود؛ البته بدم نمی آید اگر این شایعه به حقیقت بپیوندد!

معاون راهبردی رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به اینکه آنچه در جهان امروز شاهد آن هستیم، برداشت از «واقعیت» است و نه خود واقعیت، گفت: امروز موضوع «روایت» بسیار مهم است. عبارت «جامعه بین‌المللی» امر غیرواقع بینانه‌ای است، جهان امروز پسا بین‌المللی است. دولت‌ها دیگر تنها کنشگر جامعه بین‌المللی نیستند و حتی دیگر تنها کنشگران هم نیستند. وی با بیان اینکه امروز در جامعه بین‌الملل فرد به عنوان یک کنشگر مهم مطرح است؛ گفت: آنچه در جهان امروز شاهد آن هستیم، برداشت از «واقعیت» است و نه خود واقعیت لذا امروز موضوع «روایت» بسیار مهم است.

ظریف افزود: عبارت دیپلماسی عمومی از حدود سال ۱۳۸۰ میلادی در امور سیاسی مورد استفاده قرار گرفت؛ اما پیش از اینجاست که چرا در جهان امروز دیپلماسی عمومی این قدر مهم شده است؟ به این دلیل که امروز «فرد انسانی» کنشگر عرصه روابط بین‌الملل است یعنی آنچه در ذهن افراد به عنوان واقعیت جا انداخته می‌شود از خود واقعیت مهم‌تر است. وی خاطر نشان کرد: دهه ۹۰ میلادی، ایران از جنگ عراق فارغ شد و توانست وارد صحنه بین‌الملل شود و به نقطه‌ای رسیدیم که همه تصور کردند، کشور ما در شرایطی قرار گرفته که می‌تواند به جامعه بین‌الملل بپیوندد، پیش از آن آخرین باری که ایران در شورای امنیت عضویت داشت، سال ۱۹۵۴ میلادی بود و بنده به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران به عنوان جوان‌ترین رئیس کمیته حقوقی مجمع عمومی ملل متحد انتخاب شدم و این حاصل شایسته ایران بود.

ظریف ادامه داد: از همان زمان اسرائیل با هدایت همین تتانیاو، روایت امنیتی‌سازی و تهدید علیه امنیت جهانی را برسازی و تأکید کرد که ایران ۶ ماه تا دستیابی به بمب اتمی فاصله دارد. بیش از ۳۰ سال از آن روز می‌گذرد آنها هنوز هم می‌گویند که ایران در آستانه دستیابی به بمب اتم است!

اسرائیل «روایت ایران ضعیف» را برسازی می‌کند

معاون راهبردی رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه رژیم صهیونیستی به دنبال ساخت روایت بسیار بدتری از روایت امنیتی‌سازی علیه ایران است؛ گفت: تتانیاو امروز «روایت ایران ضعیف» را برسازی می‌کند، این روایت از این جهت خطرناک است که می‌خواهند بگویند ایران ضعیف است و الان موقعیت مناسبی برای هدف قرار دادن ایران است. وی افزود: آنها ادعا می‌کنند که ایران بازوهای توانمند خود را از دست داده لذا به سمت هسته‌های شدن پیش می‌رود، این روایت غلطی است چرا که ما در ضعیف‌ترین وضع خود نیستیم. ظریف تأکید کرد: در این شرایط ما وظیفه داریم که «روایت قدرت» بسازیم، جمهوری اسلامی اولین حکومتی است که پس از ۲۲۰ سال حتی یک وجب از خاک ایران را از دست نداد، جمهوری اسلامی ایران نظام ضعیفی نیست.

ظریف نسبت به نگاه تهدیدمحور علیه موضوعات مختلف ابراز تاسف کرد و گفت: به جوانان، به همسایگان، خانواده و جهان به عنوان تهدید نگاه می‌کنیم، به موضوع حجاب به عنوان یک تهدید نگاه می‌کنیم، این ساطی که بر سر حجاب درست شد و به جایی هم نرسیدند برای این بود که تصور می‌کردند، حجاب آخرین سنگر نظام اسلامی است و اگر این سنگر فتح شود دیگر چیزی باقی نخواهد ماند، متأسفانه همه چیز را به عنوان سنگر و تنازع می‌بینیم. وی افزود: ۴۸ سال است که به ما فشار می‌آورند و ما ایستادگی کرده‌ایم، کاری که نه پهلوئی توانست انجام دهد و نه قاجار؛ ما از خودمان مطمئن هستیم و چه نیازی است که اینگونه عمل و رفتار کنیم. نمی‌گویم که بی تفاوت و خوش خیال باشیم، نمی‌گویم تهدیدها را فراموش کنیم اما نگاه تهدیدمحور نداشته باشیم، به حجاب به عنوان یک مسأله اجتماعی برخورد می‌کنیم نه یک موضوع امنیتی، با همسایگان به عنوان شرکای اقتصادی برخورد می‌کنیم نه به عنوان تهدیدهای بالقوه امنیتی و نظامی، این بالاترین به عنوان یک فرصت برخورد می‌کنیم، به شرکت‌های بزرگ به عنوان یک فرصت نگاه می‌کنیم که می‌تواند صادرات کشور را افزایش دهد نه تهدید.

رهبر انقلاب به امیر قطر و هیات همراه تأکید کردند:

مطالبات ایران را بازگردانید

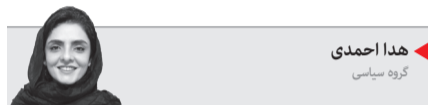
آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی روز گذشته در دیدار آقای شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر قطر و هیات همراه با تأکید بر اینکه گسترش روابط با همسایگان، سیاست قطعی جمهوری اسلامی است، گفتند: یکی از سیاست‌های اعلامی دولت آقای پزشکیان نیز گسترش روابط با همسایگان است و به لطف خداوند در این زمینه کارهای خوبی انجام گرفته و پیشرفت‌هایی نیز حاصل شده است و آقای عراقچی وزیر محترم امور خارجه در این عرصه فعال و پرتحرک است. رهبر انقلاب اسلامی اظهار امیدواری کردند: توافق‌های انجام شده در تهران به سود هر دو کشور باشد و دو طرف بتوانند بیش از پیش به وظایف همسایگی خود عمل کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار همچنین با اشاره به اظهارات امیر قطر درباره مسایل منطقه، افزودند: ما کشور قطر را یک کشور دوست و برادر می‌دانیم اگر چه همچنان مسایل مهم و حل نشده‌ای همچون بازگرداندن مطالبات ایران که از کره جنوبی به قطر منتقل شد، باقی است و می‌دانیم که مانع اصلی عملی شدن توافقی که در این زمینه انجام شده بود، آمریکا است. ایشان خاطر نشان کردند: ما اگر جای قطر بودیم، به فشارهای آمریکا اعتنا نمی‌کردیم و مطالبات طرف مقابل را بازمی‌گردانیدیم و همچنان انتظار چنین اقدامی را از جانب قطر داریم. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: تفاوتی میان روسای جمهور آمریکا نیست.



فشار بر دولت

لبه تیغ استیضاح‌های زود هنگام بر گردن رئیس دولت جدید

رئیس‌جمهور انتخاب شد را انتصابی غیرقانونی دانستند. بسیاری از رسانه‌ها و سیاستمداران میانه معتقدند، جریان‌هایی که در مجلس علیه ظریف و دولت هجمه درست می‌کنند و به هر بهانه‌ای تجمع راه می‌اندازند، طیف نزدیک به جلیلی هستند. گویا این روند میراثی است که ظریف تا همین امروز هم به دوش می‌کشد. سعید جلیلی و دوستانش هرگز از ظریف خوششان نمی‌آمد. در مجلس شدیدترین حملات را به او داشتند. از غیرقانونی و جاسوس خواندن او تا نسبت دادن مذاکرات پنهان به معاون راهبردی رئیس‌جمهور. هرچند سفر ظریف به داووس به جای خود واکنش برانگیز بود. مخالفان ظریف



هدا احمدی گروه سیاسی

مسعود پزشکیان از همان ابتدای ریاست‌جمهوری با فشار مخالفانش روبه‌رو بود. از انتصابات او در خصوص افرادی همچون محمدجواد ظریف گرفته تا استیضاح‌های زود هنگام وزرایش برای ناکارآمد جلوه دادن دولت جدید. همان‌طور که محمد عطر یانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران پیش‌تر به سازندگی گفته بود: «نمایندگانی که امروز در رأس نهاد قانون‌گذاری کشور قرار دارند به لحاظ مواضع سیاسی و حزبی شان عموماً رادیکال‌هایی را تشکیل می‌دهند که با تابوهای پایداری نیز شناخته می‌شوند و دست بر قضا در انتخابات ریاست‌جمهوری از طرفداران رقیب آقای پزشکیان به حساب می‌آیند». پایداری‌ها در تلاش هستند تا هنوز ۶ ماه از دولت جدید نگذشته است، وزرای دولت را استیضاح کنند. حال استیضاح همتی مطرح است که ۱۲ اسفند برگزار می‌شود. چه بسا که استیضاح محسن پاک‌نژاد وزیر نفت، احمد میدری وزیر کار، فرزانه صادق وزیر راه هم مطرح بوده است. به گفته بسیاری از تحلیلگران، گرانی‌های موجود هیچ



از همان ابتدا که ظریف وزیر امور خارجه دولت روحانی بود تا امروز که معاون راهبردی مسعود پزشکیان است از هر اهرمی برای از میدان به در کردن محمدجواد ظریف استفاده کردند، این بار بهانه جدیدشان سفر او به داووس بود.

پایداری‌ها پشت استیضاح همتی

پس از ظریف و شخص پزشکیان، نوبت به وزرای رئیس‌جمهور رسید. عبدالناصر همتی را شاید اولین وزیری دانست که مجلس برای فشار به پزشکیان، نامش را مطرح کرد. درحالی که دولت پزشکیان تنها مدت کوتاهی است که روی کار آمده است با موجی از تلاش‌های استیضاح از سوی نمایندگان مجلس مواجه شده که نشان‌دهنده یک دوره بالقوه نارآرام سیاسی برای دولت جدید است. در میان وزرایی که با بررسی صلاحیت کابینه پیشنهادی پزشکیان با مقاومت روبه‌رو شدند، عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد، به سختی توانست رای اعتماد نمایندگان را به دست آورد و تنها با ۱۹۲ رای موافق به سمت خود دست یافت. با این حال مدت کوتاهی پس از آن همتی به اولین وزیری تبدیل شد که زمزمه‌های استیضاح او در مجلس به طور قابل توجهی افزایش یافت. حتی روز گذشته مسعود پزشکیان در جریان بازدید از وزارت امور اقتصادی و دارایی تأکید کرد: «اینکه بگویم همه تقصیرها مربوط به یک نفر اوزیر اقتصاد می‌شود، بی‌انصافی است. دست‌به‌دست می‌دهیم و با قدرت جلو برویم، ان‌شاءالله خدا هم کمک خواهد کرد». نام نمایندگان همچون علی خضریان، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، احمد نادری، مرتضی آقانهانی، نادرقلی ابراهیمی، علی احمدی، احمد راستینه، اسماعیل کوثری، مهدی کوچک‌زاده، جبار کوچکی‌نژاد، عباس گودرزی، علی‌اکبر علیزاده، کامران غضنفری، محمد منازعیسی، علی کرد و منصور علیمردانی پای استیضاح وزیر اقتصاد باز هم نشان از آن دارد که مخالفان پزشکیان همچنان دغدغه سیاسی دارند.

وزیر نفت و اتهام اختلال در برق و گاز

در میان گمانه‌زنی‌های فزاینده در مورد استیضاح احتمالی وزرای دولت پزشکیان، توجه‌ها پس از وزیر اقتصاد بر محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت متمرکز شده بود. پاک‌نژاد که با رای قاطع ۲۲۲ نماینده مجلس به این سمت منصوب شد به یک‌باره با انتقاد برخی از نمایندگان مجلس که از قضا نزدیک به پایداری‌ها نیز بودند، مواجه شد.

نارضایتی‌ای که به قول خودشان ناشی از مجموعه‌ای از نگرانی‌ها از جمله کمبودهای اخیر انرژی، شایعات پیرامون افزایش قیمت بنزین و به طور کلی نحوه مدیریت بخش نفت بود. هرچند نمایندگان مجلس که ابتدا تهدید به استیضاح وزیر نفت کرده بودند، اکنون به طور موقت اقدامات استیضاح خود را متوقف کرده‌اند، با این حال تهدید به استیضاح همچنان وجود دارد کم‌اینکه امیرحسین ثابتی، نماینده تهران و چهره نزدیک به سعید جلیلی در اظهاراتی در ۲ دی ماه بر فوریت موضوع تأکید کرد. این در حالی است که به گزارش خبرآنلاین، محمد منازعیسی نماینده قم، کامران غضنفری نماینده

تهران، احسان عظیمی‌راد نماینده مشهد و کلات، رضا حاجی‌پور نماینده آمل، امیرحسین ثابتی نماینده تهران، مالک شرعیی نماینده تهران، علی خضریان نماینده تهران و حسینعلی حاجی‌دلیگانی نماینده شاهین‌شهر که بسیاری از این نمایندگان نزدیک به جبهه پایداری و سعید جلیلی هستند، استیضاح وزیر نفت را امضا کرده بودند.

نحوه تعامل وزیر کار با مجلس!

خبر سومین استیضاح وزیر پزشکیان، یعنی میدری وزیر کار نیز با فاصله کمی از دو وزیر دیگر همان اواسط دی ماه در سامانه مجلس با حدود ۲۰ امضا

ثبت شد. میدری از سوی رئیس دولت چهاردهم به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی معرفی شده بود از مجلس رای اعتماد گرفت اما چند ماهی نگذشت که نام او در بین وزرای استیضاح شوند، فاش شد. احمد بیگلری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس اعلام کرده بود هنگامی که از جلسه فوق‌العاده این کمیسیون با احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر داد که قرار بود برگزار شود، براساس اظهارات بیگلری، وزیر کار در این جلسه باید به ۱۷ سوال نمایندگان درباره حوزه کاری خود پاسخ دهد. نمایندگان موافق استیضاح وزیر کار درباره علت استیضاح گفته بودند که عملکرد میدری و نحوه تعامل وی با مجلس باعث طرح استیضاح شده است. به هر حال با اینکه اسامی کسانی که نامه استیضاح میدری را امضا کرده بودند، منتشر نشد اما با نگاهی به نطق برخی از نمایندگان در آن زمان که برای استیضاح پافشاری می‌کردند می‌توان متوجه شد که پشت استیضاح میدری هم مخالفان سرسخت پزشکیان هستند. حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده شاهین‌شهر: محور اصلی استیضاح همتی نابه‌سامانی وضعیت ارز و قیمت‌هاست که برخلاف سیاست‌های کلی برنامه و قانون برنامه مبنی بر ایجاد ثبات اقتصادی و تکرخ شدن تورم است. فکری کم خبلی از افرادی هم که طرح استیضاح را امضا نکرده‌اند، رای آنان عدم اعتماد به ادامه کار همتی باشد. ابوالقاسم جراره نماینده تهران هم اعلام کرد: موافق استیضاح هستم. مردم ما شاهد بی سابقه ترین رشد قیمت دلار در یک بازه زمانی مشخص هستند. امیرحسین ثابتی نیز که پای ثابت تمام استیضاح‌ها و فشار به دولت جدید است نیز گفته بود: «انتظار معجزه در ۳ ماه هیچ وزیری نداشتیم، حرف ما این است که در این ۵ ماه چرا بعضی وزرا تا این حد خرابکاری کرده‌اند؟»

وزیر راه و نیرو بر لبه تیغ

علاوه بر همتی، فرزانه صادق وزیر راه و عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو تهدید به استیضاح شدند. استیضاح‌کنندگان دلیل مطرح کردن استیضاح وزیر راه را انتقادها به وزیر درباره وضعیت بازار مسکن همچنین ماجرای به تعویق افتادن انتخابات سازمان نظام مهندسی عنوان کردند. همچنین با اینکه هنوز استیضاحش به ثبت نرسیده است اما طی هفته‌های اخیر به دلیل موضوع ناترازی‌های برق با انتقادهای قابل‌توجهی از سوی نمایندگان مواجه شده است و طرح استیضاح او نیز چندان دور از انتظار نیست.

دیدگاه: گزارش خارجی

تقابل ترامپ - زلنسکی

چرا رؤسای جمهوری آمریکا و اوکراین پس از نشست ریاض یکدیگر موضع گرفتند؟

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ساعاتی پس از دیدار مذاکره‌کنندگان آمریکایی و روسی در ریاض برای بررسی راه‌های پایان دادن به جنگ اوکراین با کتابیه به زلنسکی گفت که اوکراین ممکن است مجبور به برگزاری انتخابات جدید شود و تاکید کرد که رهبر فعلی آن، ولودیمیر زلنسکی، محبوبیت ندارد. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت که «دوست ندارم این را بگویم اما میزان محبوبیت زلنسکی فقط ۴ درصد است». دونالد ترامپ گفت «وقتی آن‌ها می‌خواهند در میز مذاکرات جایی داشته باشند، آیا مردم اوکراین نمی‌گویند که مدت زیادی است که انتخاباتی نداشته‌ام؟ این فقط مساله روسیه نیست.

این چیزی است که من و بسیاری از کشورهای دیگر هم مطرح کرده‌ام. مقامات اوکراینی تاکید کرده‌اند تا زمانی که جنگ با روسیه ادامه دارد، برگزاری انتخابات جدید غیرممکن است. این در حالی است که میزان محبوبیت زلنسکی در ماه‌های نخست جنگ در سال ۲۰۲۲ به ۹۰ درصد رسید اما پس از شکست‌های نظامی و مشکلات اقتصادی مداوم، اکنون به حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. در این بین ماه گذشته رسانه‌های اوکراینی با استناد به نظرسنجی مؤسسه Socis در سوئیس اعلام کردند که تنها ۴۰ درصد از مردم به زلنسکی اعتماد دارند، در حالی که تقریباً ۷۲ درصد از اوکراینی‌ها به ژنرال سلیچ، والری زالوژنی، که اکنون سفیر اوکراین در لندن است، اعتماد دارند. دیمیتری پِسکوف، سخنگوی کرملین هم اعلام کرد که پوتین آماده مذاکره با زلنسکی است اما تنها در صورتی که موضوع «مشروعیت مورد مناقشه» او حل شود. اما واکنش زلنسکی به سخنان ترامپ هم به نوعی تند قلمداد می‌شود. رئیس‌جمهور اوکراین در گفت‌وگو با خبرنگاران در کریف در مقابل ادعای رئیس‌جمهور آمریکا ایستاد و در عین حال موضع اوکرایس مبنی بر اینکه هیچ توافقی برای پایان دادن به جنگ بدون این کشور به دست نمی‌آید را مورد تاکید قرار داد و گفت «متأسفانه ترامپ در این فضای اطلاعات نادرست زندگی می‌کند». زلنسکی در ادامه صحبت‌هایش گفت، درحالی که هیچ کشوری حق بحث درباره مسائل دیگر کشورها را ندارد، حقیقت این است که آمریکا با روسیه مذاکره مستقیم داشت و به پوتین کمک کرد تا خود را از انزوای طولانی مدتش خارج کند.



ادامه یادداشت روز

ختم منازعات

بر این اساس امیدوارم این صلح نه تنها در اوکراین بلکه در خاورمیانه هم برقرار شود و اسرائیل هم به مرزهای قانونی که در شورای امنیتی بدان اشاره و تاکید شده، احترام بگذارد و منطقه بعد از ۵۰ سال التهاب به آرامش برسد و به سمت توسعه صنعتی پیش برود؛ چراکه در جنگ نمی‌توان به هیچ وجه به این پیشرفت دست یافت. به عنوان نمونه، چین با اجتناب از هرگونه جنگ و درگیری توانست از عقب‌افتادگی‌ترین کشور دنیا به پیشرفته‌ترین کشور جهان بعد از آمریکا تبدیل شود و اقتصاد قوی برای خود ایجاد کند.

اینکه ترامپ بتواند با ارتباطاتی که با روسیه دارد، جنگ اوکراین را به پایان خود نزدیک کند یک مساله مهم است اما مهم‌تر از آن این است که او نگاه متفاوتی از پرونده اوکراین به جنگ غزه دارد. سخنان ترامپ در مورد غزه به جای آنکه آرامش‌آفرین باشد، تنش‌زاست. در غزه وقایعی رخ داد و اسرائیل به گونه‌ای عمل کرد که فجاج بی‌شماری برای ساکنان این منطقه پدید آمد و حالا وقت آن رسیده که آمریکا در نهایت اسرائیل را به پشت مرزهای خود بازگرداند و شهرک‌های اشغال شده، آزاد شود و خسارات به فلسطینی‌ها پرداخته شود. حتی کمک‌های بین‌المللی هم باید صرف آبادانی شود نه اینکه این کمک‌ها بر آتش جنگ دامن بزنند. بر این اساس شرایط جنگی نه تنها در اوکراین بلکه در غزه هم باید تمام شود و ترامپ هم باید به این درک برسد که بحث انتقال جمعیت و خروج از غزه عملاً یک طرح ناشدنی است. این در حالی است که کشورهای عربی هم در حال قدرتمند شدن هستند و آمریکا نمی‌تواند آنها را به اجبار وارد یک فرآیند جدید کند.

متهم به کودتا

دادستان کل برزیل ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهوری پیشین برزیل و ۳۳ نفر دیگر را به کودتا علیه ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس‌جمهوری کنونی این کشور و سرنگونی نظام دموکراتیک متهم کرد. وکلای بولسونارو در بیانیه‌ای تاکید کردند که رئیس‌جمهوری سابق هرگز با هیچ جنبشی که هدفش تخریب حاکمیت قانون دموکراتیک یا نهاد‌های زیربنایی آن بوده و برزیل را هدف قرار گرفته، موافقت نکرده است.

دستیار علی‌اف در اسرائیل

حکمت حاجی‌اف، دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان و رئیس دیارتمان سیاست خارجی نهاد ریاست‌جمهوری با بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد. سفارت جمهوری آذربایجان در اسرائیل گزارش داد که این دیدار بر همکاری‌های دوجانبه بین آذربایجان و اسرائیل همچنین تحولات منطقه‌ای متمرکز بود. در جریان این گفت‌وگو، حاجی‌اف پیام الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان را به نخست‌وزیر اسرائیل منتقل کرد.

حضور نظامی محدود در سوریه

پلومرگ: روسیه به احتمال زیاد، حضور نظامی خود در سوریه را کاهش خواهد داد که این امر برای دست یافتن به هدفی کلیدی برای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه پس از سقوط نظام اسد خواهد بود اما گفته شده مسکو به توافقی با دولت موقت سوریه نزدیک است که به آن اجازه می‌دهد برخی از پرسنل و تجهیزات خود را در این کشور حفظ کند.

دیدار خصوصی در سعدآباد

مسعود پزشکیان پس از دیدار با امیر قطر از تصمیمات جدید در جهت توسعه و تعمیق مناسبات با دوحه گفت

در حال حاضر وجود دارد، گفت‌وگوهای سازنده است و در این راستا از آنچه که رئیس‌جمهور ایران در خصوص روابط سازنده با کشورهای شورای همکاری و کشورهای اسلامی مبتنی بر منافع مشترک و حسن همجواری گفتند، استقبال می‌کنیم.

شیخ تمیم با استقبال از رویکرد ایران در مورد توسعه و تعمیق روابط با همسایگان، گفت: ما همچنین از تفاهم‌هایی که منجر به حمایت از استقرار و ثبات و شکوفایی در منطقه باشد، حمایت می‌کنیم. امیر قطر تاکید کرد: مساله فلسطین در مورد صحبت‌ها و پرونده‌هایی بود که در ارتباط با آن صحبت کردیم و ما بر لزوم پایبندی به توافق آتش‌سوزی در غزه تاکید می‌کنیم و معتقدیم که طرف‌ها باید به اجرای مراحل این توافق متعهد باشند همچنین بر اهمیت اینکه کمک‌های انسان‌دوستانه به برادرانمان در غزه برسد نیز تاکید کردیم. وی افزود: در گفت‌وگو با رئیس‌جمهوری اسلامی ایران تاکید کردیم که کشور قطر و شرکای آن در خصوص میانجیگری برای موفقیت‌آمیز بودن این توافق متعهد هستند؛ توافقی که به نظر گامی اساسی است برای اینکه آتش‌سوزی همیشگی و پایدار را در غزه شاهد باشیم همچنین ورود کمک‌های انسان‌دوستانه را به داخل غزه بدون هیچ مانع‌تراشی تضمین کند.

امیر قطر ابراز امیدواری کرد که آتش‌سوزی به درد و رنج غیرنظامی‌ها در غزه پایان بخشد، شرایط را برای انجام بازسازی در غزه آماده کند و این توافق کمک کند تا به راه‌حلی عادلانه، پایدار و جامع در خصوص فلسطین برسیم زیرا به گفته وی ملت بزرگ فلسطین ملتی است که جانفشانی‌ها و فداکاری‌های زیادی را طی دهه‌های گذشته انجام داده و بدون شک به کمتر از این مسائل راضی نیست.

شیخ تمیم بیان کرد: کشور قطر بر پشتیبانی خود از هرگونه تلاشی که منجر به نزدیک کردن دیدگاه‌ها و رسیدن به راه‌حلی عادلانه و متوازن شود و حقوق کشورها را تضمین کند و توسعه و شکوفایی را در منطقه گسترش بدهد، حمایت خواهد کرد.

فرجام سخن:

بدون شک نقش قطر در دو پرونده مذاکرات طالبان و آمریکا که به توافق دوحه منجر شد همچنین توافق آتش‌سوزی در غزه، نشان‌دهنده آن است که این کشور همچنان قصد دارد در قامت میانجی، پرونده‌های دیگری را هم حل و فصل کند که در این خصوص باید توجه شود که جو بایدن، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات‌متحده در مارس ۲۰۲۲ (اسفند ۱۴۰۰) عنوان «متحد اصلی خارج از ناتو» را به قطر داد که به نوعی برای قدردانی از تلاش این کشور در پرونده افغانستان بود. حالا علاوه بر تعمیق روابط تهران - دوحه شاید باید منتظر آن بود که قطری‌ها در برخی از پرونده‌های مرتبط با ایران، کنشگری مثبت خود را نمایان کنند؛ این درحالی است که همچنان کانال‌های ایران با عمان و سوئیس به قوت خود باقی است.

مناسبات و گشودن مسیرهای جدید همکاری اتخاذ کردیم. جمهوری اسلامی ایران معتقد است که کشورهای منطقه می‌توانند بر اساس سیاست حسن همسایگی، احترام متقابل و تعامل سازنده در جهت حفظ ثبات و امنیت در منطقه گام بردارند و مسیر همکاری مشترک را هموار کنند.

رئیس‌جمهور در ادامه یادآور شد: در این دیدار بر حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت کشور سوریه و مشارکت همه مردم این کشور در تعیین سرنوشت خود تاکید کردیم و لازم می‌دانم از تلاش‌های میانجی‌گرانه قطر برای دستیابی به آتش‌سوزی در غزه و آزادسازی اسرای مظلوم فلسطینی قدردانی کنم. پزشکیان گفت که در دیدار با امیر قطر بر ضرورت اتخاذ تدابیر منسجم‌تر کشورهای اسلامی در راستای کاهش آلام و رنج‌های مردم غزه و توقف جنایات علیه آنان همچنین پیگیری اقدامات جنبانکارانه رژیم صهیونیستی تاکید کردیم و بر این باوریم که تمام ملت‌ها و دولت‌های منطقه و جهان بر پایه ارزش‌های الهی و انسانی باید تلاش خود را برای دفاع از مردم مظلوم فلسطین به ویژه غزه در برخورداری از زندگی ایمن در سرزمین تاریخی خود به کار گیرند.

امیر قطر: بهترین راه‌حل اختلافات، گفت‌وگو است

امیر قطر نیز در این کنفرانس خبری مشترک با ابراز خوشحالی از سفر به ایران، گفت: این سفر در شرایطی انجام شده که منطقه ما با تحولات و چالش‌هایی روبرو است و نیازمند هماهنگی و مشورت در مورد آن هستیم.

شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی افزود: سفر اخیر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به قطر فرصت خیلی مهم و خوبی بود برای اینکه بتوانیم روابط برادرانه و تاریخی بین خودمان را گسترش دهیم، روابطی که بر پایه حسن همجواری بین دو کشور است و ما اطمینان داریم که ادامه این‌گونه سفرها می‌تواند به گسترش هرچه بیشتر این روابط کمک کند.

وی بیان کرد: گفت‌وگو‌هایی را با رئیس‌جمهور اسلامی ایران در خصوص زمینه‌های مختلف همکاری بین دو کشور داشتیم و ما تاکید کردیم که باید فرصت‌های همکاری احتمالی بیشتری را بین یکدیگر به‌خصوص در زمینه‌های تجاری و اقتصادی ایجاد کنیم. وی تصریح کرد: ما همچنین بر اهمیت پیگیری نتایج نشست‌های کمیسیون اقتصادی مشترک بین دو کشور که اخیراً منعقد شد و افزایش حجم تبادل تجاری بین دو کشور تاکید کردیم به طوری که بتواند اهداف ما را محقق کند علاوه بر آن تاکید کردیم که همکاری خود را در همه زمینه‌ها گسترش دهیم. ما همچنین در خصوص شرایط سختی که منطقه ما با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند و در خصوص مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی که مورد اهتمام مشترک ماست، گفت‌وگو کردیم. وی گفت: توافق کردیم که بهترین راه برای حل نزاع‌هایی که

گروه بین‌الملل: براساس اعلام قبلی، شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل‌ثانی، امیر قطر (چهارشنبه) وارد تهران شد و رئیس‌جمهور پزشکیان در مجموعه تاریخی - فرهنگی سعدآباد از وی استقبال کرد. پس از نواخته شدن سرود دو کشور و سان دیدن از یگان تشریفات، رئیس‌جمهور ایران و امیر قطر مذاکرات خصوصی خود را آغاز کردند. گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه امیر قطر ممکن است پیامی از غرب به ایران آورده باشد. زیرا قطر در گذشته نقش واسطه‌ای را بین ایران و آمریکا ایفا کرده است. با این حال عراقچی، وزیر خارجه ایران یک روز قبل این خبر را نه تایید کرد و نه تکذیب کرد. پزشکیان در نشست مشترک هیات‌های عالی‌رتبه ایران و قطر با بیان اینکه روابط دو کشور همواره از روندی رو به ارتقا برخوردار بوده است، اظهار کرد: اشتراکات دینی و فرهنگی و نیز منافع مشترک پشوانه‌های مستحکم برای تقویت و گسترش بیش‌ازپیش روابط تهران و دوحه است. رئیس‌جمهور بر ضرورت تسریع در اجرای توافقات مشترک میان دو کشور تاکید کرد و افزود: اجرای این توافقات علاوه بر ارتقای سطح همکاری‌ها، افق‌های جدیدی پیش‌روی روابط صمیمی و دوستانه ایران و قطر ایجاد می‌کند. رئیس‌جمهور چهاردهم همچنین از نقش مؤثر و سازنده قطر در مسائل منطقه‌ای و جهانی به‌خصوص در برقراری آتش‌سوزی در غزه قدردانی کرد. امیر قطر نیز در این نشست با ابراز خوشنودی از روند رو به گسترش روابط دو کشور، خواستار انجام همه اقدامات لازم برای تسریع این روند شد و تصریح کرد: روابط ایران و قطر از دیرباز دوستانه و صمیمی بوده و با وجود افزایش حجم این روابط در سال‌های اخیر هنوز تا سطح مورد نظر سران دو کشور فاصله داریم. شیخ تمیم بن حمد آل‌ثانی هماهنگی و همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای ایران و قطر را سازنده و بر بستر منافع مشترک عنوان کرد و گفت: تلاش خواهیم کرد با برگزاری منظم کمیسیون‌های مشترک، همکاری‌های اقتصادی تعاملات و تبادلات دو کشور را به سطح هدف‌گذاری شده برسانیم.

استحکام روابط و فاز جدید مناسبات

پس از نشست مشترک هیات‌های ایران و قطر کنفرانس خبری مشترک میان رئیس‌جمهور کشورمان و امیر قطر برگزار شد و پزشکیان ابراز کرد که دیدارهای مستمر مقامات دو کشور بیانگر پیوندهای مستحکم تاریخی، اقتصادی و فرهنگی و دیدگاه‌های نزدیک پیرامون مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و تقویت و توسعه روابط در حوزه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و امنیتی با کشورهای منطقه و همسایه، سیاست کلیدی جمهوری اسلامی ایران است و در این میان دولت دوست و برادر قطر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وی افزود: در این سفر با برادرم امیر محترم دولت قطر در خصوص موضوعات دوجانبه و در راستای تأمین منافع مشترک گفت‌وگو کردیم و تصمیمات خوبی در جهت توسعه و تعمیق

گزارش ادبی

هم‌نوایی در پاییز

اهدای هشتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی



مراسم اهدای هشتمین دوره جایزه و نشان «ابوالحسن نجفی» به مناسبت پاسداشت مقام علمی و فرهنگی زندیاد ابوالحسن نجفی، نویسنده و مترجم و تشویق نسل جوان و توجه به درست‌نویسی ۳۰ بهمن در شهرکتاب مرکزی برگزار شد. از میان ۸۱ اثری که به دبیرخانه این جایزه ارسال شده بود، هشتمین جایزه و نشان ابوالحسن نجفی به «هم‌نوایی در پاییز» ترجمه «مزدک بلوری» تعلق گرفت.

علی اصغر محمدخانی با اشاره به این‌که اقدامات ابوالحسن نجفی دسترسی به ترجمه را ممکن کرد، گفت: «هیأت‌داوران این دوره جایزه استاد ابوالحسن نجفی متشکل از ضیاء موحد، مهستی بحرینی، عبدالله کوثری، حسین معصومی‌همدانی، موسی اسوار، امید طیبی‌زاده و آبتین گلکار بودند.» به گفته دبیر جایزه ابوالحسن نجفی، معیار انتخاب در این جایزه رعایت فارسی معیار و درست‌نویسی و ترجمه‌هایی است که روان باشد. محمدخانی در ادامه گفت: «روند داوری از شهریور آغاز شد و در نهایت اکثریت هیأت‌داوران یک کتاب را انتخاب کردند. امسال ۷ کتاب «خشک‌سالی طولانی» اثر کتان جونز، ترجمه زینب آرمند، نشر زندگی روزانه، «هم‌نوایی در پاییز» نوشته باربارا پیم، ترجمه مزدک بلوری، نشر بیدگل، «مغز اندرو» نوشته ای ال دکتراف، ترجمه محمدرضا ترک‌تتاری، نشر بیدگل، «دری در کار نیست» اثر تامس ولف، ترجمه امین مدی، نشر گمان، «پاییز فلور» نوشته الکساندر پوپل، ترجمه ساناز ساعی دیباور، نشر نی، «مزاج بی‌پایان» نوشته دیوید فاستر و الاس، ترجمه معین فرخی، نشر برج و «هنر فرانسوی جنگ» نوشته آلکسی ژنی، ترجمه مریم خراسانی، نشر نیماژ به مرحله پایانی رسیدند که در نهایت کتاب «هم‌نوایی در پاییز» به عنوان اثر برگزیده معرفی شد.»

افزایش توجه به مترجمان

در این نشست پیام صوتی عبدالله کوثری، مترجم، ویراستار و داور چند دوره جوایز ادبی هوشنگ گلشیری، ابوالحسن نجفی و کتاب سال ایران درباره ترجمه و اهمیت آن پخش شد. کوثری با تأکید بر اینکه ابوالحسن نجفی با ادبیات و زبان فارسی رابطه داشته است، گفت: «این جایزه جدای از این‌که نداشتن این استاد بی‌بدیل است، اهمیت دیگری دارد و آن توجه به کتاب‌های ترجمه است. تا دهه ۴۰ توجه چندانی به مترجم نمی‌شد. در دهه ۴۰ توجه به ترجمه زیاد شد و البته هنوز جایگاه مترجم مشخص نبود اما امروز توجه به مترجم در پی توجه به ترجمه بیشتر شده است و حتی مجله‌های گوناگونی داریم که به ترجمه اختصاص دارد و این نشان‌دهنده اهمیت ترجمه است.» در ادامه مستند «وزن کلمات» که شبلی نجفی پسر ابوالحسن نجفی درباره او ساخته، پخش شد و پس از آن مهدی فیروزان با اشاره به یکی از خاطراتش از دیدار با ابوالحسن نجفی گفت: «نخستین دیدار من با ابوالحسن نجفی در سال ۱۳۶۳ همراه با موسی اسوار بود. در آن زمان ۲۷ سال داشتم، دیگر کمتر کسی است که درباره تواضع ابوالحسن نجفی نشینده باشد اما نباید فراموش کرد که او همواره منتقد بخش‌های مختلف در استفاده از زبان فارسی بود؛ در آن سال‌ها به سازمان صدا و سیما برای بی‌توجهی به قواعد زبان فارسی ایراد می‌گرفت. در نتیجه دیدار با ابوالحسن نجفی، شورایی برای نظارت بر تالیف و ترجمه تشکیل شد.» امید طیبی‌زاده هم درباره مستند «وزن کلمات» گفت: «شبلی پسر ابوالحسن نجفی است و چند ماه قبل از فوت نجفی به ایران آمد و مستندی از پدرش ساخت. این در حالی است که ابوالحسن نجفی حتی اجازه عکس‌انداختن از خودش را به دیگران نمی‌داد. این فیلم در سال ۱۴۰۱ آماده‌اگران شد اما نجفی از دنیا رفته بود و توانست آن را ببیند.» مزدک بلوری که در هشتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی برگزیده شد در ادامه این برنامه گفت: «برنده شدن در جایزه نجفی برای من افتخار بزرگی است زیرا او از مترجمان دقیق معاصر است و ترجمه او از «شازده کوچولو»، «خانواده تیبو»، «ادبیات چیست؟» و تألیفات نجفی، عصای دست من است.»

نخبگان سیاست‌ساز در تنگنا

سخنرانی مقصود فراستخواه و تقی آزادارمکی در نشست حیات نخبگانی در اغما که توسط حزب کارگزاران سازندگی خراسان رضوی برگزار شد

حزب کارگزاران سازندگی ایران - خراسان رضوی در نشست‌های سلسله نشست‌های عمومی «دیالوگ» به بررسی مسأله نخبگان و نقش آن‌ها در حیات اجتماعی پرداخت. این نشست با عنوان «حیات نخبگانی در اغما؛ نگاهی به تحولات نهاد دانشگاه در دو دهه اخیر» پنج‌شنبه ۲۵ بهمن با حضور برخط تقی آزادارمکی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران و مقصود فراستخواه، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این نشست، سخنرانان به نقش نخبگان در جامعه و چالش‌های پیش‌روی آنان پرداخته و وضعیت تعامل میان سیستم‌های اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

نخبگان در تنگنا

مقصود فراستخواه در سخنان خود، وضعیت نخبگان در ایران را مورد تحلیل قرار داد و گفت: «مسأله را از کلیت وضعیت نخبگانی جامعه ایران شروع می‌کنم. عنوان برنامه «حیات نخبگانی در اغما» بیشتر به جنبه پربولمانتیک وضعیت اشاره دارد که شاید نتواند به درستی به پویایی نخبگانی در جامعه ایران پرداخته و این پویایی را به تصویر بکشد. از این رو به نظر من بهتر است از عنوان‌هایی مانند «حیات نخبگانی در تنگنا» استفاده کنیم زیرا شواهد کافی داریم که نشان می‌دهد، جامعه ایران به همراه

ظرفیت‌های عظیم نخبگانی خود به آستانه یک رشد بی‌پازگشت رسیده است. طرح من این است که ظرفیت‌های نخبگانی ایران به‌طور جدی به مرحله‌ای از رشد بی‌پازگشت رسیده‌اند اما در این رشد، وضعیت بحرانی‌ای ایجاد شده است. به‌گونه‌ای که ظرفیت‌های نخبگانی جمع شده، نمی‌توانند به‌طور مؤثر در جامعه و در نقش خود ظاهر شوند. این نخبگان از عدم توانایی در ارزیابی وجود، نقش‌آفرینی مناسب در جامعه و ناتوانی در تأثیرگذاری بر وضعیت جامعه ناراضی هستند. یکی از دلایل این وضعیت بحرانی، وجود یک دوگانگی عمیق در جامعه ایران است. این دوگانگی، که از ابتدا در ایران شکل گرفته و پیچیده‌تر شده است، در ارتباط با دو مفهوم «زیست‌جهان» و «سیستم» قابل درک است. وقتی صحبت از نخبگان دانشگاهی یا کلیت نخبگان در ایران می‌شود باید توجه داشته باشیم که ظرفیت‌های نخبگانی ایران متعلق به زیست‌جهان جامعه هستند. در واقع، این ظرفیت‌ها متعلق به جهان زندگی و تجریبات نخبگانی است که در شرایط خاص خود در جامعه ایران حضور دارند. در مقابل، سیستم‌های رسمی که مسئول سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری هستند و قدرت در دست آنها قرار دارد، هیچ‌گاه به‌طور هم‌زمان و مهمل با زیست‌جهان نخبگانی ایران آشنا نبوده‌اند و ارتباط مناسبی با آن برقرار نکرده‌اند. این دوگانگی میان زیست‌جهان نخبگانی و سیستم‌های رسمی از چهار دهه پیش آغاز شده و در حال حاضر به یک بحران جدی تبدیل شده است که در نهایت به وضعیت بحرانی و فاجعه‌بار منتهی خواهد شد. به‌عنوان یک ایرانی، نگرانی جدی دارم که این دوگانگی به‌زودی به مرحله‌ای بحرانی و ویرانگر برسد. این دوگانگی به وضوح نشان می‌دهد، سیستم‌های حکومتی و اجرایی در ایران سعی دارند که زیست‌جهان نخبگانی ایران را به نوعی مستعمره خود کنند. زیست‌جهان نخبگانی ایران از یک پشتوانه دموگرافیک (جمعیتی) بزرگ برخوردار است. در حال حاضر بیش از ۲۰ میلیون دانش‌آموخته در ایران وجود دارند که به‌عنوان پشتوانه‌ای برای نخبگان محسوب می‌شوند و در آینده خواهند توانست به این جامعه نخبگانی بپیوندند. بنابراین، این زیست‌جهان نخبگانی به دلیل این پشتوانه و ظرفیت‌های بالای فکری به‌طور مداوم در حال رشد و تحرک است. این تحرک اجتماعی باعث شده، نخبگان دانشگاهی ایران به‌طور مداوم در حال جابه‌جایی و حتی مهاجرت باشند. طبق آخرین داده‌های پیمایش جهانی، ایرانیان نسبت به بسیاری از ملت‌ها میل بالایی به موفقیت دارند و در این میان، نخبگان ایرانی نیز میل زیادی به تأثیرگذاری در جامعه دارند. این ظرفیت نخبگانی در حال حاضر به سطح ظهور نخبگان جدید رسیده است. به‌طور سنتی، نخبگان ایران بیشتر از مردان تشکیل می‌شدند اما امروز شاهد ظهور نخبگان زن نیز هستیم. این تحولات، زیست‌جهان نخبگانی ایران را از حالت مردانه سنتی به یک وضعیت دوجنسیتی تبدیل کرده است. علاوه بر این، نخبگان ایرانی به نوعی محلی - جهانی شده‌اند به‌طوری که نمی‌توان آن‌ها را تنها نخبگان محلی ایران دانست. بسیاری از این نخبگان به سطح جهانی رسیده‌اند و در عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی در سطح بین‌المللی حضور دارند. از دهه ۷۰ به بعد، این

نخبگان الگوهای عمل خود را تغییر داده‌اند و مقیاس تأثیرگذاری آن‌ها در سطح جهانی گسترش یافته است. به‌علاوه، این نخبگان با یک دیاسپورای ایرانی ۱۰ میلیون نفری در ارتباط هستند که از بالاترین سرمایه‌های شغلی، مالی، تحصیلی و تخصصی برخوردار است. این دیاسپورا برای بسیاری از نخبگان ایرانی، به‌ویژه در زمینه‌های علمی، یک شبکه ارتباطی جهانی فراهم کرده است. زیست‌جهان نخبگانی ایران از میل شدید به خودتعیین‌گری برخوردار است. نخبگان ایرانی می‌خواهند در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی مؤثر باشند و در برابر سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژیک که بر جامعه ایران حاکم است، ایستادگی کنند. این میل به خودتعیین‌گری و آزادی از آن‌جا ناشی می‌شود که نخبگان ایرانی احساس می‌کنند زیست‌جهان آن‌ها در حال تحت سلطه قرار گرفتن توسط سیستم‌هایی است که هیچ ارتباطی با واقعیت‌های امروز جهان ندارند. این وضعیت به بحران‌های جدی



در میان نخبگان ایرانی منجر شده است. نخبگان احساس می‌کنند، نمی‌توانند نقش مؤثری در تعیین آینده کشور ایفا کنند و به دلیل محدودیت‌های موجود، از خودتعیین‌گری و تأثیرگذاری اجتماعی خود بازمانده‌اند. به نظر من در چنین شرایطی باید به جای استفاده از اصطلاح «نخبگان در اغما» از عبارت «نخبگان در تنگنا» استفاده کنیم. بزرگ‌ترین مانع در برابر نخبگان ایرانی، سوپرآردها و ساختارهای غیرپاسخ‌گویی است که نه تنها در برابر نقد اجتماعی قرار دارند بلکه دائماً در حال بازتولید خود هستند. این وضعیت باعث شده نخبگان نتوانند رسالت‌های اجتماعی خود را دنبال کنند و به دلیل اینکه نمی‌توانند با این سیستم‌ها تعامل کنند، احساس می‌کنند که دیگر جایی برای تأثیرگذاری ندارند.»

ادبیه مفهوم نخبه

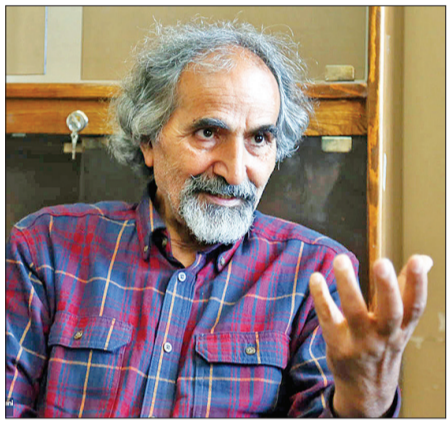
تقی آزادارمکی هم در تحلیل خود از وضعیت نخبگان ایرانی گفت: «اغما، وضعیت پیش از مرگ است و بر این اساس اگر نخبگان را در سیستم‌های موجود ببینیم، شاید بتوانیم از عبارت «حیات نخبگانی در اغما» برای آنها استفاده کنیم. اما اگر نظام اجتماعی را در نظر بگیریم، معتقدم نخبگان ایرانی در یک مرحله پویایی تمام‌عیار قرار دارند. در واقع در وضعیت تحول و تغییرات جدی قرار دارند که ممکن است در نظر برخی به معنای ضعف و در حالت اغما بودن باشد اما واقعیت این است که نخبگان در حال حاضر در حال تحولات و تغییرات بنیادین هستند که بیشتر از هر زمانی بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذارند. یکی از مسائلی که در این زمینه اهمیت دارد، تغییر مفاهیم نخبگی در طول تاریخ فکری و اجتماعی ایران است. در گذشته، مفاهیمی مانند کارشناس، متخصص، روشن‌فکر، دانشمند و در نهایت نخبه به کار می‌رفت. این مفاهیم نه تنها تغییرات اجتماعی بلکه تحولات فکری جامعه ما را نیز نشان می‌دهند. در دوره‌ای که پروژه توسعه در دستور کار کشور قرار داشت، بیشتر از واژه‌هایی مانند کارشناس و متخصص استفاده می‌شد زیرا تمرکز بر توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی بود. اما در دوره دگرگونی‌های فکری با ورود به عرصه‌های جدید و در پی شکل‌گیری نگاه‌های انتقادی، مفهوم روشن‌فکری مطرح شد. در دوران پس‌انقلاب و در جمهوری اسلامی، ما با چالش‌های بنیادین در مورد مفهوم متخصص، کارشناس و حتی دانشمند روبه‌رو شدیم. این چالش‌ها نشان‌دهنده یک بحران فکری و فرهنگی بود که در آن روشن‌فکران نیز خود را با مشکلات مختلف مواجه یافتند و در نهایت بسیاری از آن‌ها به مفهوم نخبه پناه بردند. وقتی از نخبه سخن می‌گوییم باید مشخص کنیم که منظور از این واژه دقیقاً چیست. آیا مفهوم نخبه فقط به مدارک تحصیلی مربوط می‌شود یا به ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، ایثار و داشتن دیدگاه انتقادی و مبتنی بر منافع عمومی؟ در صورتی که نخبه به این شکل تعریف شود باید گفت در سیستم‌های کنونی ایران، جایی برای نخبگان به این معنا وجود ندارد. در حقیقت، سیستم‌های آموزشی و دولتی در



ایران به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که نخبگان واقعی به‌عنوان کارگزاران و کارشناس‌های سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرند و نه به‌عنوان افرادی که به دنبال تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی هستند. در واقع، بسیاری از نخبگان ایرانی در شرایط کنونی با یک وضعیت دوگانه روبه‌رو هستند. از یک طرف به مسائل بنیادی کشور توجه دارند و به‌طور جدی در حال بررسی مشکلات و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند. از طرف دیگر چون در سیستم‌های رسمی جایی برای نخبگان وجود ندارد، بسیاری از این افراد خود را در موقعیت‌های حاشیه‌ای می‌بینند. نخبگان ایرانی در زیست‌جهان اجتماعی به تحول و تغییرات بنیادین در کشور پرداخته‌اند و مسائل پیچیده‌ای چون بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند. به‌طور خاص، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های نخبگان ایرانی امروز، سرنوشت و آینده کشور است. نخبگان به مسائل کشور و

مردم ایران توجه دارند و با بررسی شرایط فعلی، تلاش می‌کنند راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران‌ها پیدا کنند. یکی از نکات مهم این است که نخبگان ایرانی از ساخت‌های ابتدایی چون متخصص و کارشناس به ساخت‌های پیشرفته‌تر چون ایدپرداز و تولیدکننده الگو منتقل شده‌اند. در حقیقت، نخبگان ایرانی از این مرحله عبور کرده‌اند که به‌عنوان کارشناس یا متخصص در

سیستم‌های دولتی و دانشگاهی باقی بمانند. بسیاری از آن‌ها، به‌ویژه متخصصانی که توانایی تولید الگو دارند، با عدم توجه به ایده‌هایشان در ایران مواجه شده و تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. این افراد که خود را در منزلت نخبه‌گرایانه قلمداد می‌کنند، به‌دلیل بی‌توجهی سیستم‌های رسمی به ظرفیت‌ها و ایده‌های آن‌ها، به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. در واقع، نخبگان در شرایطی که سیستم‌های داخلی ایران به‌دنبال تغییرات ساختاری نیستند، نمی‌توانند به‌طور مؤثر در توسعه کشور نقش ایفا کنند. در ساخت‌های جدیدتر نخبگان، افرادی هستند که قدرت سیاست‌گذاری دارند و به‌عنوان سیاست‌ساز شناخته می‌شوند. این افراد نیز به دلیل شرایط خاص نظام حکومتی ایران که در آن سیاست‌ها از بالا به پایین پیاده‌سازی می‌شود، جایی در سیستم رسمی ندارند. در چنین سیستمی، سیاست‌ها بیشتر توسط مقامات بالادستی تدوین می‌شود و نیاز به تفکر و سیاست‌گذاری مستقل و متفکرانه ندارند. در نتیجه، بسیاری از افرادی که توانایی سیاست‌گذاری دارند و در ساخت‌های مختلف نظری و عملی تجربه دارند به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. نخبگان ایرانی امروزه بیشتر در جامعه مدنی حضور دارند تا در سیستم‌های رسمی دولتی و دانشگاهی. این نخبگان که به‌دلیل شرایط نامناسب موجود در ایران مهاجرت نکرده‌اند، نیرویی مؤثر در بحران‌های اجتماعی، فکری و سیاسی کشور به‌شمار می‌آیند. به نظر من، این نخبگان می‌توانند نیرویی تحول‌گرا و نجات‌بخش برای کشور باشند و در فرآیند برون‌رفت از بحران‌های موجود، نقش اساسی ایفا کنند. در حقیقت، نخبگان ایرانی در حال حاضر به‌عنوان بخش بیرون‌افتاده‌ای از نظام رسمی در جامعه مدنی حضور دارند و می‌توانند به‌عنوان نیرویی مؤثر در تحولات آینده کشور نقش‌آفرینی کنند. در نهایت بررسی وضعیت نخبگان ایرانی در دوگانگی میان سیستم رسمی و زیست‌جهان اجتماعی، چالش‌ها و بحران‌های پیش‌روی این گروه از افراد را به‌خوبی آشکار می‌سازد. نخبگان ایرانی با وجود ظرفیت‌های علمی و فکری عظیم، به دلیل محدودیت‌های سیستم‌های حکومتی و اجرایی، به‌طور مؤثر در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تحول اجتماعی نقش‌آفرینی نمی‌کنند. این وضعیت بحرانی نخبگانی ناشی از فاصله عمیق میان ایده‌ها و تلاش‌های آن‌ها با سیستم‌های قدرت است که مانع از رشد و تأثیرگذاری این ظرفیت‌ها در جامعه می‌شود. در این راستا، نخبگان ایرانی در حال حاضر با یک وضعیت پیچیده و دوگانه روبه‌رو هستند که از یک سو در تلاشند تا در مسیر تحول و بهبود جامعه نقش‌آفرین باشند و از سوی دیگر با ساختارهای حکومتی که مانع از بروز پویایی‌های فکری و علمی آن‌ها می‌شود، مواجه‌اند. با وجود این محدودیت‌ها، نخبگان ایرانی هم‌چنان به‌عنوان نیرویی تحول‌گرا در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فکری باقی مانده‌اند و به‌ویژه در جامعه مدنی، حضور فعالی دارند که می‌تواند به ایجاد تغییرات اساسی در آینده کشور منجر شود. بنابراین توجه به چالش‌ها و نیازهای نخبگان به‌منظور تقویت نقش آن‌ها در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور ضروری به نظر می‌رسد.»



گزارش سینمای جهان

روزگار سخت نامزد اسکار

کارگردان پروتالیست از شرایط سخت مالی با وجود موفقیت فیلمش گفت

بردی کوربت، کارگردان برنده جایزه و خالق فیلم «پروتالیست» در مصاحبه‌ای از فشارهای مالی شدید خود و همسرش (مونا فاستولود) پس از ساخت دو فیلم اخیرشان پرده برداشت.

بردی کوربت، کارگردان آمریکایی که اخیراً با فیلمش «پروتالیست» برنده جایزه بفتا و نامزد اسکار بهترین کارگردانی و فیلم نیز است در مصاحبه‌ای از فشارهای مالی شدید خود و همسرش (مونا فاستولود) پس از ساخت دو فیلم اخیرشان پرده برداشت و گفت آنها از این دو فیلم هیچ درآمدی نداشته‌اند، حتی با وجود اینکه فیلم «پروتالیست» امسال نامزد چندین جایزه اسکار شده است.

کوربت همچنین از چالش‌های مالی و زمانی تبلیغات بین‌المللی و تأثیر آن بر زندگی شخصی و حرفه‌ای خود سخن گفت و با اشاره به اینکه اولین حقوق واقعی او پس از مدت‌ها، از کارگردانی سه تبلیغ در برتغال به دست آمده است، گفت: «من و همسرم از دو فیلم آخرمان هیچ درآمدی نداشتیم. بله، واقعاً صفر. بنابراین مجبور بودیم با حقوقی که از سه سال پیش داشتیم، زندگی کنیم و البته زمان‌بندی این موضوع در حین کمپین جوایز و سفرهای هر دو با سه روز یک بار، اصلاً ایده‌آل نبود. اما این فرصتی بود که به دستم رسید و از آن استفاده کردم».

کوربت که آثارش شامل «وکس لوکس» و «کودکی یک رهبر» می‌شود به‌عنوان یک کارگردان مستقل و خارج از سیستم استودیویی سنتی شناخته می‌شود. جدیدترین فیلم او با عنوان «پروتالیست»، نامزد ۱۰ جایزه اسکار از جمله بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه اصلی و بهترین فیلم شده است اما با وجود تحسین منتقدان و موفقیت در فصل جوایز، کوربت معتقد است، فشارهای تبلیغاتی باعث شده‌اند او برای ماه‌ها نتواند کار کند.

او گفت: «با بسیاری از فیلم‌سازان که فیلم‌هایشان امسال نامزد شده‌اند، صحبت کردم که نمی‌توانند اجاره خانه خود را بپردازند. شما برای تبلیغ یک فیلم حقوقی دریافت نمی‌کنید».

«پروتالیست» که در سپتامبر ۲۰۲۴ در جشنواره ونیز به نمایش درآمد و چندین جایزه از جمله بهترین کارگردانی را کسب کرد، نامزد تقریباً ۶ ماه تبلیغات بی‌وقفه و سفرهای متعدد بوده است. کوربت گفت: «هفت روز هفته کار است. شما همزمان با رسانه‌های ژاپنی و سوئیسی مصاحبه می‌کنید». او در توصیف فشارهای کمپین بین‌المللی جوایز افزود: «از زمان تعطیلات کریسمس تا به حال حتی یک روز هم مرخصی نداشته‌ام».

این فیلم داستان ۳۰ سال از زندگی شخصیتی به نام لازلو توت (با بازی ادین بردوی) را روایت می‌کند؛ داستانی که در آن یک نابغه هنری درگیر اعتیاد، فقر و نافرمانی اجتماعی می‌شود حتی پس از آنکه یک سفارش از مشتری ثروتمندش، هریسون لی وان بورن (با بازی گای پیرس) دریافت می‌کند. او همچنین امیدوار است پس از جدایی از همسرش با بازی فلیسییتی جونز در جریان جنگ، بار دیگر به او بپیوندد.

«پروتالیست» با مدت‌زمان طولانی ۲۱۵ دقیقه در صورت کسب جایزه اسکار بهترین فیلم، چهارمین برنده اسکار بهترین فیلم با طولانی‌ترین مدت‌زمان در تاریخ پس از «بر باد رفته» (۲۳۸ دقیقه)، «لورنس عربستان» (۲۲۸ دقیقه) و «بن هور» (۲۲۲ دقیقه) خواهد بود. مدت‌زمان طولانی فیلم‌ها به طور تاریخی مانع موفقیت آن‌ها در جوایز اسکار نشده است اما چالشی برای صبر و حوصله تماشاگران ایجاد می‌کند.



انیمیشن چینی اول شد

انیمیشن چینی «نزا ۲» با فروش ۱.۷ میلیارد دلاری که تمام آن از گیشه سینماهای چین حاصل شده، موفق شد تا «درون بیرون ۲» یکسار را پشت سر بگذارد و عنوان پرفروش‌ترین انیمیشن جهان را از آن خود کند. بیش از ۹۹ درصد از فروش «نزا ۲» از سرزمین اصلی چین به دست آمده که کاملاً برخلاف فیلم‌های هالیوودی است که معمولاً بر استراتژی توزیع جهانی تکیه دارند.

وقتی وارد دنیای هنر شد ۱۷ سالش بود، به پول فکر نمی‌کرد و به دنبال عشق و علاقه‌اش بود. همیشه می‌گفت، عشق به هنر هنوز مرا سرپا نگه داشته است. او متعلق به نسل طلایی بود که در شرایط سخت با کمترین دستمزد و حقوق، بدون بیمه در استودیوهای دوبله با کمترین امکانات شاهکارهای سینما را برای تماشاگران ایرانی دوبله کردند و آثار ماندگاری به‌جا گذاشتند که حتی صدایشان از صدای بازیگر نقش‌ها هم برتر بود و کاراکترهایی قدرتمند را آفریدند چراکه در آن سال‌ها هنرمندان به پول و شهرت فکر نمی‌کردند و فیلم‌ها با عشق دوبله می‌شد.

گویندگی به‌جای بازی رتبون در مجموعه فیلم‌های شرلوک هلمز، رابرت دنیرو (جوانی ویتو کورلونه) در فیلم پدرخوانده ۲ و شکارچی گوزن، جان میلز (پپ) در فیلم آرزوهای بزرگ، آلن بیتس در زوربای یونانی، توشیرو میفونه در هفت سامورایی، تام کروز در سری فیلم‌های ماموریت غیرممکن، جان تراولتا در پالپ فیلیکشن، کیانو ریوز در سه‌گانه ماتریکس، ریسهلی دلوری در سریال دلیران تنگستان همچنین گویندگی در مجموعه تلویزیونی فرار از زندان به‌جای شخصیت مایکل اسکافلید در فیلم منتالیست (مجموعه تلویزیونی)، به‌جای شخصیت جین و کارتون لوک خوش‌شانس به‌جای شخصیت لوک، کلاتر وودی در داستان اسباب‌بازی تنها بخشی از آثار به یادماندنی او هستند. والی‌زاده در تمام فیلم‌های «شرک» که دوبله شده، گوینده شخصیت گربه چکمه‌پوش با بازی آنتونیو باندراس بود. او آنگرد به‌جای بازیگران مهم و کاراکترهای بی‌نظیر صدایشی کرد که حسرت دوبله شخصیتی به دلش نمانده بود و می‌گفت: «از روزی که وارد این حرفه شدم تا به حال طیف متفاوتی از نقش‌ها از درجه سه تا درجه یک را تجربه کردم. به بیشتر این نقش‌ها علاقه شخصی داشتم و اغلب پیش از آنکه خودم درخواستی داشته باشم برای بسیاری از شخصیت‌ها انتخاب شده‌ام بنابراین حسرتی برای نقشی که دوبله نکرده باشم، ندارم».

او عمری با عشق و علاقه کار کرد. با همه سختی‌ها و تلخی‌های حرفه‌اش کنار آمد چراکه از آن دسته آدم‌هایی بود که با عشق کارش را انتخاب و ادامه داده بود. می‌گفت، خیلی از جوانان برای شهرت و پول وارد این حرفه می‌شوند اما پس از مدتی سرخورده شده و دوبله را کنار می‌گذارند. چون هم کار سختی را انتخاب کردند و هم درآمد چندانی نصیبشان نمی‌شود. از جوانانی می‌گفت که این سال‌ها به دوبله آمدند و حتی تلاش می‌کنند، هنرمندان پیشکسوت به استودیوها بازنگردند. والی‌زاده می‌گفت: «افراد بسیاری می‌توانند علاقه به کار دوبلاژ داشته باشند اما زمانی موفق خواهند بود که بتوانند این مسیر را با عشق دنبال کنند». برای ماندن در استودیوهای تنگ و تاریک دوبله باید عشق و دغدغه را به کار افزود و گرنه دوام آوردن در چنین محیطی سخت و طاقت‌فرسا خواهد شد و این همان کاری بود که نسل طلایی دوبله از همان آغاز به خوبی از پیش برآمده بودند و بدون شور و اشتیاق پا به استودیو نمی‌گذاشتند.

منوچهر والی‌زاده در ۸۴ سالگی در حالی از این دنیا رفت که یکی از خوشبخت‌ترین آدم‌های این کره خاکی بود. زندگی‌اش با شغلی که به آن عشق می‌ورزید، سپری شد و مدت کوتاهی از عمرش را به خاطر بیماری، جدا از حرفه‌اش گذراند. او می‌گفت: «زندگی هنگامه فریادهاست...» و هیچ‌کس شک ندارد که نام و صدایش جاودان خواهد بود و علاقه‌مندان به سینما و هنر تا سال‌های سال از او به‌عنوان یکی از ماندگارترین دوبلورهای ایران نام خواهند برد.



زتا جونز در جکی را بکشید

کاترین زتا جونز بازی در «جکی را بکشید» را به دلیل پیشنهاد همسرش مایکل داگلاس برای بازی در این سریال قبول کرده است. این درام دلهره‌آور براساس داستان نول پرخواننده نیک هارکاوای ساخته خواهد شد. داستان سریال، زندگی جکی پرایس را به تصویر می‌کشد که برای ۲۰ سال زندگی لاکچری زیبایی داشته و در سفرهای بین‌المللی‌اش انواع و اقسام عتیقه‌جات گران‌قیمت را خریداری کرده است.



خاویر باردیم کارگردان شد

خاویر باردیم از فیلم تازه‌اش «محبوب» به‌عنوان اثری اجتماعی اسم می‌برد که در یک نقطه، سینما و خانواده را به یکدیگر زده و متحد می‌کند. داستان این درام درباره یک فیلمساز تحسین شده و موفق و دختر بازیگرش است که پس از مدت‌ها درگیری و کشمکش، در ساخت یک فیلم تازه با یکدیگر همکاری کرده آنها در این مسیر با گذشته تلخی که با هم داشته‌اند، مواجه می‌شوند.

ادامه تیتراک

پایان یک جوانی

تماشای چهره و اندام تکیده‌اش با عصایی که به دست داشت و قد خمیده‌ای که با کمک عصا آن را نگه می‌داشت، آنقدر برای حضاران در سالن تکان‌دهنده بود که آهوا فاسوس آنها را به همراه داشت. انگار تماشاگران هم باور نمی‌کردند او پیر و تکیده شود. چراکه او صدای اول جوان دوبله بود و هنوز هم ساعت‌به‌ساعت صدای پرهیجانش روی تبلیغات بازرگانی از شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون پخش می‌شود.

منوچهر والی‌زاده مانند صدایش خیال پیر شدن نداشت. در مراسمی که برای همکارانش از دست‌رفته‌اش برگزار می‌شد، او همچنان سسریا و قیراق بود و کمتر می‌شد، پیری و فرسودگی را در او دید تا اینکه بیماری ام‌ان‌اش را برید و بالاخره این جوان سرپا را پیر کرد. متولد تیرماه ۱۳۱۹ بود در لاله‌زار تهران. در محله‌ای که بخش مهمی از آینده‌اش در آن شکل گرفت، تولد در این خیابان با سرنوشت او گره خورده بود. مدرسه‌اش بین محله پامنار و خیابان ناصر خسرو بود که به آن محله عرب‌ها می‌گفتند. دوره دبیرستان را در دبیرستان قریب واقع در خیابان سعیدی جنوبی گذراند و چون از همان دوران دانش‌آموزی به صدایشگی علاقه داشت، قید ورود به دانشگاه را زد. در همان سال‌ها سالن تئاتری به نام تئاتر «گیتی» در ابتدای خیابان لاله‌زار بود که برادرش در آنجا کار می‌کرد. شور و عشق به هنر باعث می‌شد بعد از مدرسه به تئاتر گیتی برود و کنار برادرش کار کند. همین باعث شد که از همان دوران به تئاتر علاقه‌مند شود.

او در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۳۷ دوران دبیرستان بعد از چند تئاتر آماتور به تئاتر تهران راه یافت و در یک نمایشنامه به کارگردانی خانم مورین نقش کوتاهی به عهده گرفت. بعد از آنکه دیپلم گرفت ۳ سال کارمند شرکت مخابرات بود و در همان سال‌ها با منصور متین که دوبلور و بازیگر بود، آشنا شد. پس از آشنایی با منصور متین که از هنرمندان تئاتر و دوبلاژ فیلم بود به استودیوی شاهین فیلم در خیابان بهار برای دوبله دعوت شد و پس از همکاری در چند فیلم کوتاه با او به علی کسمایی معرفی و چندین سال کارآموز بود. بعد از مدتی در فیلم «دختر بنفشه فروش» دوبله نقش اول فیلم «هل فر» را به عهده گرفت. استاد کسمایی آن‌قدر کار او را پسندید که از همان دوره گرفتار کار در دوبله شد و بدون آنکه از مخابرات استعفا کند، دیگر به محل کارش نرفت.

در سال ۱۳۴۰ از طریق تاجی احمدی دوبلور و بازیگر به امین امینی کارگردانی سینما معرفی شد و اولین بازیگری او در سینما بازی در فیلم خداداد (۱۳۴۱) بود که تا سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۱۸ فیلم سینمایی بازی کرد. والی‌زاده در فیلم‌های گل گمشده (۱۳۴۱) و فرشته‌ای در خانه من (۱۳۴۲) با بهروز وثوقی و فیلم‌های حریص (۱۳۵۲) و هیولا (۱۳۵۵) با رضا بیکی‌ایمانوردی هم‌بازی بود. او همچنین در فیلم‌های حرمت رفیق (۱۳۵۶) و با عشق مردن (۱۳۵۷) در کنار همکار صدایش‌اش حسین عرفانی که از اساتید و صدا‌های ماندگار دوبله بود به بازیگری پرداخت. شاید کمتر کسی باور می‌کند که این دوبلور پیشکسوت در دوره‌ای یکی از بازیگران پرکار سینمای ایران بوده باشد. با وقوع انقلاب و کم‌رنگ شدن کارشان در دوبله تا حدود ۴ سال بعد از پیروزی انقلاب در تئاتر پارس مشغول به کار بود و در کنار هنرمندانی مثل حسین عرفانی و شهلا ناظریان روزی ۲ سانس نمایش بازی می‌کردند. در واقع عده‌ای از بازیگران که بنا به دلایلی ممنوع‌التصویر شده بودند در لاله‌زار نمایش اجرا می‌کردند و این رویه تا سال ۱۳۶۰ ادامه داشت. در همان سال‌ها دوبله تعطیل شده بود و اصلاً به همین دلیل تعداد زیادی از صدایش‌ها به لاله‌زار رفته بودند. عده‌ای در تئاتر نصر کار می‌کردند و عده‌ای دیگر هم در تئاتر دهقان که پایین‌دست لاله‌زار بود، روی





دیدگاه: تحلیل اقتصادی

چندسئوال

فروش ذخایر طلاي کشور چه عواقبي دارد؟

الهام معصوم‌زاده
تحلیلگر بازارهای مالی

تصمیم بانک مرکزی برای عرضه سکه در بازار در ظاهر با هدف کنترل نوسانات نرخ ارز و طلا انجام می‌شود اما پرسش‌هایی جدی درباره پشتوانه کارشناسی، مسئولیت‌پذیری مجریان و تأثیرات بلندمدت آن بر اقتصاد کشور مطرح می‌کند. آیا این سیاست، گره‌ای از مشکلات اقتصادی باز خواهد کرد یا به بحران‌های جدیدی دامن خواهد زد؟ از آقای رئیس‌جمهور درخواست می‌شود که از رئیس بانک مرکزی و کارگزاران بازار پول، نظیر رئیس مرکز مبادله، موارد ذیل را سوال کرده و به پیشگاه ملت اعلام بفرماید:

۱. لطفاً اعلام کنید به‌جز کارشناسان بانک مرکزی و مرکز مبادله، کدام کارشناسان اقتصادی مستقل و معتبر، این روش عرضه سکه را تأیید کرده‌اند؟ چه داده‌ها و تحلیل‌هایی مبنای این تصمیم قرار گرفته است؟

۲. اگر این طرح از منظر اقتصادی منطقی است، آیا کارشناسان حامی این طرح حاضرند، دارایی‌های شخصی خود را به همین شیوه قیمت‌گذاری به فروش برسانند؟

۳. اگر پاسخ منفی است، چرا اموال کشور را به این شیوه می‌فروشند؟ آیا تصمیم‌گیران این سیاست، تعهد می‌دهند که در صورت شکست طرح و افزایش لجام‌گسیخته قیمت

طلا و دلار، مسئولیت آن را بپذیرند و در برابر قانون و مردم پاسخگو باشند؟ چه ضمانتی از مجریان این طرح گرفته شده که در صورت عدم تحقق اهداف، ملزم به پاسخگویی شوند؟ آیا جرمی برای ناکامی احتمالی در نظر گرفته شده است؟

۴. مطابق قانون، درآمد حاصل از فروش طلاي بانک مرکزی به خود این نهاد بازمی‌گردد و دولت از آن نفعی نمی‌برد. آیا دولت با این سیاست موافق است؟ جایگاه دولت در این تصمیم‌گیری کجاست؟ آیا هماهنگی کامل بین دولت و بانک مرکزی در این خصوص وجود دارد؟

۵. در هیچ کشوری بانک مرکزی مأمور فروش مستقیم ذخایر طلا و ارز برای مدیریت بازار نیست. حتی کشورهای مانند روسیه که تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار دارند، سیاست‌های پولی خود را به این شکل پیش نمی‌برند! چرا بانک مرکزی ایران باید ذخایر خود را این‌گونه چوب حراج بزند؟

۶. با توجه به اینکه ذخایر طلا نقش مهمی در ثبات اقتصادی و اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران دارد، آیا کاهش این ذخایر به ثبات اقتصادی کشور آسیب نخواهد زد؟ چه برنامه‌ای برای جبران این ذخایر در آینده در نظر گرفته شده است؟ عرضه سکه می‌تواند به طور موقت قیمت طلا را کاهش دهد اما اگر تقاضا بیشتر از عرضه باشد، ممکن است به افزایش شدیدتر قیمت‌ها در آینده منجر شود. همچنین انتظارات از عرضه بیشتر سکه می‌تواند به تقاضای بیشتر دامن بزند.

۷. فروش ذخایر طلا برای کنترل بازار می‌تواند ذخایر استراتژیک کشور را کاهش دهد که این مساله در بلندمدت ممکن است به ثبات اقتصادی آسیب بزند. ذخایر طلا نقش مهمی در اعتبار و اطمینان به اقتصاد کشور دارد. اگر بازار این عرضه سکه را به عنوان نشانه‌ای از کمبود منابع ارزی یا طلا در آینده تفسیر کند، ممکن است این عمل به جای کنترل تورم، انتظارات تورمی را افزایش دهد و منجر به خریدهای پیشگیرانه توسط مردم شود.

۸. عرضه سکه می‌تواند فرصتی برای سوء استفاده و ایجاد رانت باشد. افراد یا گروه‌هایی که به اطلاعات داخلی دسترسی دارند، ممکن است از این شرایط بهره‌برداری کنند که به نوبه خود به اعتماد عمومی و شفافیت بازار آسیب می‌زند.

۹. افزایش عرضه سکه می‌تواند نقدینگی را در بخشی از بازار افزایش دهد اما این نقدینگی ممکن است به بخش‌های دیگر اقتصاد سرایت کند و به تورم کمک کند و به ویژه اگر این نقدینگی به سمت بازارهای دیگر مانند مسکن یا خودرو سوق داده شود.

۱۰. این اقدام می‌تواند به عنوان یک مداخله در کارکردهای بازار آزاد تلقی شود، که ممکن است اعتماد به نظام بازار را کاهش دهد و از سوی دیگر، بازارهای غیررسمی را تقویت کند. در پایان: آقای رئیس‌جمهور، این روش به‌عنوان یک راه‌حل کوتاه‌مدت تلقی می‌شود و ممکن است بدون حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی مانند تحریم‌ها یا مدیریت اقتصادی ناکارآمد، تنها مشکلات را به آینده موکول کند. همان‌طور که در دوران انتخابات بر اهمیت تأثیر نظرات کارشناسی بر تصمیم‌گیری‌ها تأکید داشتید، اکنون انتظار می‌رود در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، این اصل مهم را رعایت فرمایید و نظرات کارشناسی مستقل را مبنای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قرار دهید، تا کشور دچار بحران‌های عمیق‌تر نشود.

۱۱

این اقدام می‌تواند به عنوان یک مداخله در کارکردهای بازار آزاد تلقی شود، که ممکن است اعتماد به نظام بازار را کاهش دهد و از سوی دیگر، بازارهای غیررسمی را تقویت کند. در پایان: آقای رئیس‌جمهور، این روش به‌عنوان یک راه‌حل کوتاه‌مدت تلقی می‌شود و ممکن است بدون حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی مانند تحریم‌ها یا مدیریت اقتصادی ناکارآمد، تنها مشکلات را به آینده موکول کند. همان‌طور که در دوران انتخابات بر اهمیت تأثیر نظرات کارشناسی بر تصمیم‌گیری‌ها تأکید داشتید، اکنون انتظار می‌رود در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، این اصل مهم را رعایت فرمایید و نظرات کارشناسی مستقل را مبنای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قرار دهید، تا کشور دچار بحران‌های عمیق‌تر نشود.

۲۶۰

میلیارد تومان
خروج پول از بورس

دلار، سکه و طلا در سطوح تاریخی سیر می‌کنند و بورسی‌ها همچنان با حسرت به رشد قیمت در این بازارها نگاه می‌کنند و امیدوارند که در ماه‌های آتی بخش زیادی از جاماندگی این بازار نسبت به دیگر بازارها جبران شود. اگرچه بورس دیروز سبزپوش شد اما خروج پول مجدداً بر نگرانی‌های این بازار دامن زد. ۲۶۰ میلیارد تومان پول حقیقی از گرده‌ها معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی خارج شد.

۹۳

هزار تومان
قیمت دلار

معاملات بورس تهران در آخرین روز هفته با رشد ۰/۴۷ درصدی شاخص کل همراه شد و شاخص هموزن نیز صعود ۰/۱۵ درصدی را تجربه کرد. شاخص کل فرابورس نیز رشد ۰/۱۷ درصدی را به ثبت رساند. در معاملات دیروز ارزش معاملات ۶ هزار و ۴۹۳ میلیارد تومانی به ثبت رسید. قیمت دلار باز هم به کانال ۹۳ هزار تومان سرک کشید. بازدهی دلار از ابتدای سال به بیش از ۵۰ درصد رسیده است.

۷۷

میلیون تومان
قیمت سکه

قیمت سکه امامی دیروز در بازار به ۷۷ میلیون تومان رسید و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۶ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان قیمت خورد. نیم‌سکه به ۴۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان رسید و ربع‌سکه هم در قیمت ۲۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان معامله شد. با افزایش قیمت دلار در بازار آزاد مجدداً قیمت دلار توقافی و دلار بازار آزاد دچار شکاف قابل توجهی شده است.

پیام یک دیدار

پزشکیان برای کاهش فشار از تیم اقتصادی دولت به دیدار همتی و فرزین رفت این دیدار سرزده تا چه اندازه می‌تواند شوک‌های اقتصادی را کاهش دهد؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

مسعود پزشکیان به فاصله یک روز پس از آنکه دیداری سرزده از خیابان میرداماد داشت و در جمع مدیران بانک مرکزی حضور یافت به خیابان باب‌همایون هم سرزد و در جمع معاونان و مدیران وزارت امور اقتصادی و دارایی سخنرانی کرد. این دیدوبازدیدها در شرایطی رخ داده که اختلاف میان محمدرضا فرزین و عبدالناصر همتی از مدتی پیش علنی شده است. روز سه‌شنبه، مسعود پزشکیان به صورت سرزده و غیرمنتظره به بانک مرکزی رفت. هدف از این بازدید، پایان دادن به شایعات مربوط به تغییر رئیس کل بانک مرکزی و نیز حمایت از اقدامات این نهاد در کنترل بازار ارز و طلا بود. پزشکیان در این دیدار با رئیس کل و مدیران بانک مرکزی، جلسه‌ای برگزار کرد و بر اهمیت ثبات اقتصادی و مدیریت صحیح بازار ارز تأکید کرد. این حضور به عقیده منابع نزدیک به دفتر رئیس‌جمهوری، نشانه‌ای از تعهد دولت به مدیریت وضعیت اقتصادی به شمار می‌رود و تلاشی برای کاستن از اختلافات و آرام کردن بازار و اطمینان دادن به مردم و سرمایه‌گذاران است.

روز چهارشنبه نیز پس از جلسه هیات دولت، مسعود پزشکیان شمال و کلاه کرد و به وزارت امور اقتصادی و دارایی رفت. این بازدید نیز به صورت سرزده انجام شد و با هدف بررسی و حمایت از اقدامات و برنامه‌های این وزارتخانه برای مدیریت عرصه اقتصادی کشور صورت گرفت. آقای پزشکیان در این نشست به بررسی سیاست‌های اقتصادی جاری و چالش‌های پیش رو پرداخت. این دیدار در حالی انجام شد که طرح استیضاح عبدالناصر همتی در مجلس اعلام وصول شده است بنابراین حضور پزشکیان در باب همایون علاوه بر اینکه می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از حمایت از عبدالناصر همتی باشد، تأکید بر استمرار سیاست‌های اقتصادی دولت نیز به حساب می‌آید.

برخی می‌گویند این بازدیدها پیام حمایت قوی از تیم اقتصادی دولت را ارسال می‌کنند به خصوص در زمانی که جایگاه رئیس کل بانک مرکزی با انتشار شایعات برکناری به خطر افتاده و وزیر اقتصاد نیز با چالش‌هایی مانند استیضاح مواجه است. همچنین نشان‌دهنده اولویت بالای مسائل اقتصادی در دستور کار دولت است. تأکید بر تلاش‌ها برای ثبات و آرامش در بازارهای اقتصادی به‌خصوص در زمینه ارز و طلا و پاسخ دادن به شایعات و نگرانی‌ها درباره تغییرات مدیریتی در بانک مرکزی هم می‌تواند جزو دلایل توضیح‌دهنده این دیدارها باشد. این بازدیدها در مجموع نشان‌دهنده تلاش دولت برای مدیریت بحران‌های اقتصادی و ایجاد اعتماد در بین مردم و بازار هستند.

پزشکیان چه گفت؟

مسعود پزشکیان در جمع مدیران وزارت امور اقتصادی و دارایی به حمایت قاطع از عبدالناصر همتی پرداخت و گفت: «تصمیم‌های اقتصادی در جلسه سران قوا گرفته شده است و نمی‌توان تنها وزیر اقتصاد را مقصر دانست». او تأکید کرد که همه سیاست‌های پولی، بانکی و ارزی در این جلسات با حضور تیم اقتصادی مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند. جلسات سران قوا با حضور روسای قوای سه‌گانه (مجره، مقننه، قضائیه) برگزار می‌شود و هدف اصلی آن، هماهنگی بیشتر بین قوا برای حل مسائل مهم کشور است. آقای پزشکیان افزود: رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه اجرای صحیح قانون مبتنی بر مدیریت داده‌ها و اطلاعات، اساساً بستر فساد را رفع می‌کند، گفت: چرا عده‌ای باید از عناوینی مانند FATF فرار کنند

در حالی که می‌توانیم با اجرای چنین سازوکاری در داخل کشور جریان نقدینگی را رصد کنیم و مانع از خروج منابع کشور یا وقوع جرائم مالی شویم.

همتی و فرزین چرا اختلاف دارند؟

اختلاف بین عبدالناصر همتی و محمدرضا فرزین می‌تواند ریشه در گذشته هم داشته باشد. همتی در دولت سیدابراهیم رئیسی به شدت به نقد سیاست‌های دولت سیزدهم پرداخت و نوشته‌های صریحی علیه بانک مرکزی دولت رئیسی نوشت. در مقابل محمدرضا فرزین رسانه‌های اصولگرا را علیه همتی بسیج کرد. وقتی ابراهیم رئیسی در سانحه‌های دلخراش، دار فانی را وداع گفت و انتخابات زودهنگام برگزار شد، مسعود پزشکیان این شانس را پیدا کرد که دولت تشکیل دهد. آن روزها عبدالناصر همتی مهم‌ترین گزینه برای وزارت امور اقتصادی و دارایی بود. همتی تلاش کرد تا گزینه‌هایی مثل شاپور محمدی یا علی طینبیا را به ریاست بانک مرکزی معرفی کند اما محمد مخبر که آن روزها به صورت موقت در کسوت معاون اول دولت به کار خود ادامه می‌داد، استدلال کرد که بهتر است فرزین در جای خود بماند و به پزشکیان گوشزد کرد که کار از نظر قانونی هم مشکل دارد. پزشکیان در نهایت تغییر رئیس کل را به آینده موکول کرد اما در نهایت به توصیه برخی مقامات ترجیح داد، فرزین را حفظ کند. همتی و فرزین کجدار و مریز به کار خود ادامه دادند تا اینکه بازار ارز به هم ریخت و همتی تحت فشار قرار گرفت و اختلاف‌نظر آنها آشکار شد. همتی بر این باور است که باید فاصله بین نرخ ارز در سامانه نیما و بازار آزاد، کاهش یابد تا از رانت ارزی جلوگیری شود. او پیش‌تر هم به عنوان رئیس کل بانک مرکزی، سیاست‌هایی برای تک‌تخری کردن ارز پیش گرفته بود. فرزین اما معتقد به کنترل بیشتر بر نرخ ارز و جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن است به این دلیل که افزایش نرخ ارز می‌تواند به تورم دامن بزند. او همچنین بر نگه داشتن نرخ ارز در سطحی که به تورم دامن نزند، تأکید دارد. اختلاف در مدیریت نوسان ارزی و چگونگی کنترل بازار ارز نیز یکی از نقاط اختلاف است. همتی به نوعی به دنبال آزادسازی بیشتر قیمت‌ها بوده درحالی که فرزین سیاست‌های محتاطانه‌تری را در پیش گرفته است. در برخی از اظهارات عمومی، همتی مسئولیت مستقیم نوسانات ارزی را به فرزین محول کرده و گفته که این مسائل به او مربوط نیست. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده عدم هماهنگی یا اختلاف در تقسیم مسئولیت‌ها باشد اما واقعیت این است که وزیر اقتصاد مسئولیتی در برابر نوسان نرخ ارز ندارد. همچنین تفاوت در نگاه به سیاست‌های پولی و مالی کشور باعث اختلاف همتی و فرزین شده است. همتی با توجه به سابقه‌اش در بانک مرکزی، نظرات خاص خود را درباره این سیاست‌ها دارد که ممکن است با دیدگاه‌های فرزین همخوانی نداشته باشد. در نهایت اینکه این اختلافات نه تنها به دلیل تفاوت در رویکردهای اقتصادی هستند بلکه می‌توانند منعکس‌کننده تفاوت‌های درونی دولت در مدیریت اقتصادی کشور باشند. با این حال، این اختلافات در چارچوب سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی به ویژه در زمینه مدیریت بازار ارز و تورم بیشتر نمایان شده‌اند.

گزارش استیضاح عبدالناصر همتی

چنانکه اشاره شد، اختلاف میان وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی علنی شده و قابل کتمان نیست. همتی در زمره اصلاح‌طلبان به حساب می‌آید اما محمدرضا فرزین میان اصولگرایان جایگاه دارد. به این ترتیب نمایندگان جبهه پایداری به شدت از استیضاح همتی دفاع می‌کنند. در این میان همتی باید پاسخ‌گویی مسائلی باشد که به رئیس کل بانک مرکزی مربوط

است. شوک‌های ارزی اخیر منجر به طرح استیضاح آقای همتی شده است. طرح در ۱۱ دی ماه با ۸۹ امضا به کمیسیون اقتصادی ارجاع شد. محورهای اصلی استیضاح شامل ناتوانی در کنترل نوسانات ارزی، مدیریت تورم و بیکاری و سیاست‌های پولی و مالی است. همه موارد مطرح شده در زمره وظایف بانک مرکزی است. در جلسات کمیسیون اقتصادی مجلس، همتی به پرسش‌های نمایندگان پاسخ داد. پس از بررسی‌ها، طرح استیضاح در ۱ اسفند در صحن علنی مجلس اعلام وصول شد و جلسه استیضاح برای ۱۲ اسفند برنامه‌ریزی شده است.

مواقفان استیضاح آقای همتی معتقدند، وزیر اقتصاد باید پاسخ‌گویی کاهش ارزش پول ملی باشد. به این ترتیب، یکی از اصلی‌ترین انتقادهای مواقفان استیضاح، افزایش شدید نرخ ارز و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی در دوران تصدی عبدالناصر همتی است. آن‌ها بر این باورند که این مساله به شدت به قدرت خرید مردم آسیب‌زده است. مواقفان استیضاح همچنین همتی را مسئول عدم کنترل تورم می‌دانند و معتقدند که سیاست‌های پولی و مالی او نتوانسته به ثبات اقتصادی بینجامد. برخی از نمایندگان مجلس و منتقدان بر این باورند که همتی در مدیریت اقتصادی کشور به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند کنترل بازار سرمایه و سیاست‌های ارزی عملکرد ضعیفی داشته است. همچنین آنها انتقادهای زیادی به عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نبود پاسخگویی کافی از سوی وزارت اقتصاد دارند. برخی نیز استدلال می‌کنند که همتی نتوانسته هماهنگی لازم را در میان تیم اقتصادی دولت ایجاد کند که این موضوع به تشدید مشکلات اقتصادی انجامیده است. نکته جالب این است که مخالفان مذاکره با غرب معتقدند، همتی نتوانسته به‌خوبی با تحریم‌ها مقابله کند یا از فرصت‌های موجود برای کاهش فشار اقتصادی استفاده کند. این دلایل و استدلال‌ها بخشی از مباحث مطرح شده توسط مواقفان استیضاح همتی هستند که در جلسات مختلف و از طریق رسانه‌ها بیان شده‌اند.

همچنین مخالفان استیضاح عبدالناصر همتی نیز دلایل متعددی برای دفاع از او و مخالفت با استیضاح ارائه داده‌اند. مخالفان استیضاح بر این باورند که مشکلات اقتصادی کشور تنها به عملکرد همتی مربوط نمی‌شود. آنها به تحریم‌های بین‌المللی و شرایط سخت اقتصادی که از قبل وجود داشته اشاره می‌کنند و معتقدند که همتی در چنین شرایط دشواری نتوانسته تا حدودی ثبات ایجاد کند. برخی نیز اشاره می‌کنند که تصمیم‌های اقتصادی در جلسات سران قوا گرفته شده و تنها نمی‌توان وزیر اقتصاد را مقصر دانست. آنها معتقدند که استیضاح همتی بدون در نظر گرفتن این مساله، بی‌انصافی است. مخالفان استیضاح، تلاش‌های آقای همتی برای اصلاحات اقتصادی، از جمله کنترل بازار ارز و تلاش برای کاهش تورم، را مثبت ارزیابی می‌کنند. آنها اشاره می‌کنند که این اصلاحات زمانبر است و نتایج آن به سرعت مشاهده نمی‌شود. برخی از مخالفان استیضاح به اقدامات همتی در حمایت از تولید داخلی و تسهیل تجارت اشاره می‌کنند و معتقدند که این اقدامات نشان‌دهنده تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی است. برخی از مدافعان همتی به شفاف‌سازی‌ها و پاسخگویی او در مقابل رسانه‌ها و مردم اشاره می‌کنند و معتقدند که او تلاش کرده تا مشکلات را به صورت واقع‌بینانه برای مردم توضیح دهد. مخالفان استیضاح همتی تأکید دارند که تغییر وزیر در این شرایط می‌تواند به ناپایداری بیشتر اقتصادی منجر شود و بهتر است به او فرصت داده شود تا سیاست‌های خود را به نتیجه برساند. در این میان، حمایت‌هایی از سوی رئیس‌جمهور و دولت به همتی صورت گرفته از جمله حضور پزشکیان در وزارت اقتصاد و بانک مرکزی. با این حال گروهی از نمایندگان و تحلیلگران، بی‌استیضاح را گامی به سوی اصلاحات اقتصادی می‌دانند.



هواسردتر می شود

صادق ضیایان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی وضع هوا ضمن اشاره به کاهش ۶ تا ۱۰ درجه‌ای دما طی روز شنبه و یکشنبه در نواحی شمال‌غرب و غرب، از بارش باران و برف طی امروز در مناطق شمال‌غرب، غرب، جنوب‌غرب، غرب سواحل دریای خزر و بخش‌هایی از مرکز، شرق و جنوب و در مناطق جنوبی و قوق رگبار و رعدوبرق خبر داد.



افزایش چک‌های بی‌محل

حسن بابایی، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: ۲۷ هزار و ۸۲۱ فقره پرونده اجراییه چک‌های بلامحل در ادارات اجرای اسناد رسمی تشکیل شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴ درصد رشد داشته است. ۱۰ هزار و ۵۷۲ فقره پرونده اسناد رهتی و شرطی بانک‌ها در ادارات اجرای اسناد رسمی تشکیل شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۱۲ درصدی داشته است.



افزایش مبلغ جریمه

تیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا گفت: عمده کسانی که در تصادفات نقش دارند، افراد بومی هر استان هستند و برخورد جدی با تخلفات انجام می‌دهیم. در طرح امسال به کنترل یک تخلف روی آورده‌ایم که تا حالا مغفول مانده بود و آن فاصله طولی است و عدم رعایت آن ۱۵۰ هزار تومان جریمه دارد. همچنین در نوروز ۱۴۰۴ تمام مبالغ جرائم رانندگی به اندازه یک‌سوم بیشتر محاسبه می‌شود.

گزارش اجتماعی

فاصله حقوق و هزینه‌ها

تورم اعلام شده با واقعیت تناسب ندارد

تصویب نهایی دستمزد کارگران و تطبیق آن با سبب معیشت به جلسات آتی شورای عالی کار موکول شده است. رقم اعلام شده توسط کمیته دستمزد شورای عالی کار برای سبد معیشت ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. این در حالی است که هزینه سبد معیشت در ماه‌های گذشته نزدیک به ۴۰ میلیون تومان تخمین زده شده است. حمید حاج‌اسماعیلی، فعال کارگری و کارشناس بازار کار گفته که «آخرین جلسه شورای عالی کار نتیجه خاصی به دنبال نداشته است. حتی رقم نهایی سبد معیشت توسط این شورا مشخص نشده است. رقمی که در حال حاضر توسط این شورا مطرح می‌شود ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. در مورد دستمزد نیز هنوز مذاکرات صورت نگرفته است. باید منتظر روزهای آینده و جلسات پیش‌رو باشیم. تاکنون قطعیتی در مورد اینکه دستمزد کارگران چقدر افزایش می‌یابد و چه راهکارهایی برای تعیین دستمزد وجود دارد، مشاهده نشده است». او اضافه می‌کند: «آمار و ارقام اعلام شده از سمت دولت با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی سازگاری ندارد. این عدم سازگاری درباره سبد معیشت هم مصداق دارد، همان‌طور که نرخ بیکاری و نرخ تورم اعلام شده توسط دولت با واقعیت فاصله دارد. دولت این اعداد را با تلاش تأیید و استخراج می‌کند». این فعال کارگری می‌گوید: «براساس ارزیابی‌های میدانی، خط فقر در کشور نزدیک به ۳۵ میلیون تومان است. خط فقر با سبد معیشت مشابهت دارد. اعلام رقم کمتر از ۳۰ میلیون تومان برای سبد معیشت نشان می‌دهد که برآوردهای دولت از واقعیتی که جامعه در آن زندگی می‌کند، دور است. دولت آمار و ارقام را در اختیار دارد». حاج‌اسماعیلی بیان می‌کند: «کمیته دستمزد با ارقام دولت کار می‌کند. استمرار دخالت دولت و تحمیل تصمیمات به گروه‌های کارگری نگران‌کننده است. دولت باید اجازه بدهد، مذاکرات در شورای عالی کار براساس قانون شکل بگیرد. متأسفانه تمهیدات و بستر این کار تاکنون فراهم نشده است. جلسات تعیین دستمزد دیر برگزار می‌شود تا جایی که کارگران فرصت مذاکرات و چانه‌زنی را از دست بدهند. این رویه در دولت‌های پیشین نیز جریان داشته است. کارگران در جلسات تعیین دستمزد، قدرت و فرصت کافی در اختیار ندارند». او ادامه می‌دهد: «دولت همیشه در بحث تعیین دستمزد دخالت بیش از حد داشته است. این میزان دخالت و فشار به گروه‌های کارگری برای پذیرش رقمی تعیین شده براساس مصلحت دولت، غیرقانونی است. دولت باید اجازه بدهد، مذاکرات بین گروه‌های کارگری و کارفرمایی شکل بگیرد. دولت باید به عنوان تعدیل‌کننده عمل کند و وظیفه هماهنگی میان گروه‌ها را بر عهده بگیرد. تا الان تغییر رفتاری از سمت دولت ندیده‌ایم. باید منتظر بمانیم تا ببینیم در جلسات بعدی شورای عالی کار، انعطاف دولت در برابر مطالبات کارگران چگونه خواهد بود». حاج‌اسماعیلی درباره اصلاح فرآیند تعیین دستمزد می‌گوید: «باید ساختار سازمانی مناسب برای بحث‌های دستمزد و مسائل مربوط به حوزه کار در وزارت کار فراهم شود. شورای عالی کار فاقد دبیرخانه در وزارت کار است. معمولاً این بحث‌ها باید در طول سال از طریق دبیرخانه شورا عالی کار در وزارتخانه پیگیری شود. از نظرات کارشناسان استفاده شود و ارتباط قانونی و سازمانی با نهادهای اقتصادی و آمار و وجود داشته باشد. این خلأ وجود دارد و نشان می‌دهد، دولت اهتمام کافی نمی‌ورزد». به گفته حاج‌اسماعیلی: «تورم اعلام شده در ایران با هزینه‌هایی که جامعه متحمل می‌شود، تناسبی ندارد. در یک ماه گذشته تغییرات قیمت دلار بر قیمت کالاها اساسی مردم اثر گذاشته است اما ردپایی از این افزایش قیمت‌ها در نرخ تورم رسمی مشاهده نمی‌شود. تلاش دولت باید مبتنی بر تنظیم روابط اقتصادی باشد. به‌گونه‌ای که مردم بتوانند نیازهای زندگی‌شان را فراهم کنند. تا زمانی که دولت تغییر رویکرد ندهد، جامعه به این نهاد اطمینان کافی نخواهد داشت. اعتماد و همکاری اثربخش مستلزم تغییر رفتار دولت است».

مفقودی

کارت هوشمند کامیون ایوبکو بشماره ۲۵۷۹۱۴۳ بنام محمد رضا ملک‌شاهی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
۱۳۰/د

خبر از بررسی نهایی بازنگری سهمیه‌های کنکور در شورای عالی انقلاب فرهنگی داد

مشاور آموزشی رئیس جمهور

گروه اجتماعی: شهرام یزدانی، مشاور آموزشی رئیس جمهور گفته که «۳۰ درصد دانشجویان رشته‌های برتر پزشکی از طریق سهمیه‌ها پذیرش می‌شوند و برای رشته‌های لوکس این عدد بالاتر است».

او در مورد روند فعلی بازنگری سهمیه‌ها تأکید کرده که «در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیشنهادات ارائه شده است. در حال حاضر تصمیم خاصی گرفته نشده اما رئیس‌جمهور دستور داده که کمیته شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را بررسی کند». به گفته او: «در حال حاضر سهمیه اینبارگران، رزمندگان، جانبازان جداگانه دیده شده‌اند ولی پیشنهاد این است که همه سهمیه‌ها با هم به صورت مجموع دیده شوند».

اولین بار رئیس‌جمهور در مهرماه امسال ضرب‌الاجل ۳ ماهه برای بازنگری سهمیه‌های کنکور تعیین کرد. بعد از آن بود که سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از برداشته شدن گام نهایی این تغییر خبر داد. او گفت که «بر این اساس، وزارت علوم به بازنگری

سهمیه‌های کنکور ورود کرد و در این زمینه با همکاری وزارت بهداشت، دانشگاه آزاد، کمیسیون آموزش تحقیقات مجلس، نمایندگان شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان سنجش و همه ذی‌نفعان این موضوع جلسات زیادی برگزار شد».

همزمان عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز گفته بود که «بخشی از سهمیه‌ها نیز مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد که البته شورا نمی‌تواند مصوبه مجلس را لغو کند ولی انشالله طرح سهمیه‌بندی‌ها براساس عدالت آموزشی طراحی و در صحن شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح می‌شود. انشالله وقتی به جمع‌بندی نهایی رسیدیم اگر مجلس همراهی کرد، سهمیه‌بندی عادلانه خواهیم داشت».

او همچنین تأکید کرده بود که «قطعاً با این موضوع مخالفت که افرادی به دانشگاه وارد شوند و نتوانند رشته پزشکی را به خوبی طی کنند و یک پزشک ناتوان و بی‌کیفیت وارد کشور شود».

آمارهای زیادی از وضعیت تبعیض‌آمیز سیستم آموزشی و تاثیرهای مستقیم و غیرمستقیم آن بر وضعیت کیفیت تحصیل دانش‌آموزان وجود دارد و از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به اعداد و ارقام سهمیه‌های تبعیض‌آمیز کنکور و بعد از آن نیز شیوه‌های سهمیه‌ای استخدام و به کارگیری نیروی انسانی براساس معیارهای غیراستاندارد به مرور زمان انگیزه میان جوانان از بین رفته است. چراکه همواره مسیرهایی جایگزین و سراسرت به غیر از مسیرهای معمول وجود دارد. آخرین آمار رسمی ارائه شده از سوی رئیس مرکز سنجش آموزش و پرورش درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان به این شرح است: «در رشته علوم تجربی، میانگین معدل دانش‌آموزان از ۱۱.۲۳ سال گذشته به ۱۲، رشته ریاضی فیزیک از ۱۰.۷۹ به ۱۱.۸۲ و در علوم انسانی از ۸.۷۵ به ۹.۱۳ رسیده است. معدل میانگین در مجموع سه رشته از ۱۰.۲۳ به ۱۰.۸۹ صدم رسیده و ۵۵ صدم در مجموع سه رشته ارتقای نمره صورت گرفته است».

رتبه‌های برتر

هر سال اعلام می‌شود که چه سهمی از رتبه‌های برتر کنکور مربوط به مدارس خاص هستند و چه تعدادی از آنان به مدارس

معمولی تعلق دارند. چندی پیش اعلام شد که «بررسی نوع مدارس در ۳ گروه اصلی آزمایشی کنکور امسال هم نشان می‌دهد که باز دست برتر با دانش‌آموزانی بوده که در مدارس سمپاد و تیزهوشان درس خوانده‌اند؛ به طوری که ۷۳ درصد از برترین‌های این سه گروه را سمپادی‌ها تشکیل داده‌اند. جالب اینجاست که در گروه علوم تجربی حتی یک نفر هم از مدارس



غیرسمپادی‌ها وجود ندارد! درحالی که سهم این مدارس در دو گروه ریاضی و علوم انسانی ۶۰ درصد بوده است».

در تمام این سال‌ها بحث کیفیت پایین آموزش در مدارس دولتی و سهم اندک آنها در میان برترین‌های کنکور همیشه مورد نقد بوده است، اتفاقی که امسال هم با در نظر گرفتن سهم ۷ درصدی از بین ۳۰ نفر برتر نشان می‌دهد که واقعاً این مدارس نتوانسته‌اند آن طور که انتظار می‌رود، سهم قابل توجهی را در کنکور داشته باشند. وضعیت در مدارس نیمه‌دولتی هم همین است به طوری که در مجموع ۳ گروه آزمایشی علوم ریاضی، تجربی و علوم انسانی تنها دانش‌آموزان دو مدرسه نیمه‌دولتی توانسته بودند در میان برترین‌ها قرار بگیرند. سهم اندکی که نشان می‌دهد حتی حضور در میان نیمه‌دولتی‌ها هم شانس بیشتری از آنچه در مدارس دولتی وجود دارد، در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌دهد. اتفاقی که می‌طلبد تا مسئولان آموزش و پرورش یک بار برای همیشه فکری برای این داشته باشند؛ چراکه طبیعتاً بخش قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزی در مدارس دولتی تحصیل کرده و از سوی دیگر این مدارس سهم قابل توجهی را در استان‌های محروم از حیث بار آموزشی در دوره متوسطه بر عهده دارند اما سهم کمتر از ۱۰ درصدی این مدارس در برترین‌های کنکور نشان می‌دهد عملاً شانس قرارگیری آنها در میان برترین‌ها به شدت پایین است.

همچنین مساله غیرقابل انکار آن است که بعد از سمپادی‌ها، این دانش‌آموزان غیرانتفاعی هستند که می‌توانند سهم بیشتری را از سفره برترین‌های کنکور داشته باشند. اتفاقی که بار دیگر این مهم را یادآور می‌شود که برای رسیدن به رتبه برتر کنکور که مجوز تحصیل در رشته و دانشگاه برتر کشور خواهد بود، نمی‌توان خیلی به تحصیل در مدارس دولتی و نیمه‌دولتی دلخوش کرد و عملاً شانس قبولی از طریق این مدارس با در نظر گرفتن جمعیت دانش‌آموزی آنها به حدی پایین و شاید غیرممکن باشد.

موضوع مهم دیگری که شاید توجه به آن خالی از لطف نباشد این است که در میان ۳۰ داوطلب برتر در ۳ گروه آزمایشی یاد شده ۱۰ نفرشان از تهران بوده‌اند که از این میان نیز ۶۰ درصدشان را سمپادی‌ها تشکیل داده‌اند و ۴۰ درصد

دیگر نیز غیرانتفاعی هستند؛ یعنی عملاً حتی یک برگزیده نیز از مدارس دولتی در استان تهران نتوانسته بود خودش را در میان برترین‌های این ۳ گروه برساند. این مساله قطعاً لزوم آسیب‌شناسی نسبت به کیفیت این مدارس را در استان بیش از پیش می‌کند؛ چراکه قطعاً وقتی داوطلبی نتواند از مدارس دولتی در پایتخت کشور در میان برترین‌ها قرار بگیرد، معنایش آن است که راه برای داوطلبان دیگر استان‌ها به مراتب سخت‌تر خواهد بود.

سهم دهک‌های پایین تقریباً هیچ

مساله مهم این است که ۳۰ نفر برتر کنکور یعنی نقرات ۱ تا ۱۰ گروه‌های آزمایشی انسانی، تجربی و ریاضی تنها ملاک‌های قضاوت درباره تاثیر کیفیت و عدالت آموزشی برای ورود به دانشگاه نیستند. سال ۱۴۰۲ بود که ایمان افتخاری، عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرد: «آمار ما درخصوص سهم دهک اول جامعه از ۳۰۰۰ رتبه برتر کنکور ایران نشان می‌دهد که این سهم برای دهک اول جامعه ۰.۲ درصد است. از سوی دیگر در کشور ما نزدیک به ۵۰ درصد صندلی‌های دانشگاه در ۳۰۰۰ رتبه برتر کنکور سهم دهک دهم است».

او ادامه داد: «در دهک‌های پایینی ما اتفاق عجیبی دیده می‌شود؛ در این دهک‌ها وضعیت ورودی کنکور بغرنج و نامطلوب است و راهی برای توجیه کردن ندارد. در واقع نگرانی در خصوص شانس بسیار بسیار پایین این افراد برای تربیت فرزندان در نسل بعدی که نقش مهمی در کشور ایفا می‌کنند، وجود دارد».

مارپیچ سهمیه‌ها

در سیستم کنکور کشور، سهمیه‌های رسمی وجود دارد که بر نتیجه اکتسابی افراد تاثیر می‌گذارد. مثل سهمیه اینبارگران ۲۵ و ۵ درصدی، سهمیه اعضای بسیج، فرزندان اعضای هیات علمی، سهمیه رزمندگان و اما یک سری سهمیه‌های غیررسمی نیز وجود دارد که به‌خصوص در دانشگاه‌هایی مثل فرهنگیان یا دیگر موسسات آموزش عالی که مراحل گزینش دانشجویان نیز دارند، اعمال می‌شود. این سهمیه‌های غیررسمی معیار و شاخص خاصی ندارد و به بررسی افکار و اعتقادات دانشجویی می‌پردازد. شاخص‌های قابل تفسیر موسع است و به سلیقه سیاست‌گذاران بسیار بستگی دارد. آزمون‌های استخدامی و مراحل استخدامی در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی نیز سهمیه‌های اینبارگران، جایگزینی فرزندان یا پدر و... وجود دارد. یک‌سری قوانین و سهمیه‌ها هم نانوشته است. مثلاً برای استخدام در یک سازمان دولتی، قانونی برای عضویت در نیروی بسیج وجود ندارد. اما این عضویت برای داوطلب امتیاز محسوب می‌شود. برای درک بهتر این مطلب، توصیه می‌شود درباره داوطلبان استخدام در آموزش و پرورش با کد ۱۹ مطالعه صورت بگیرد.

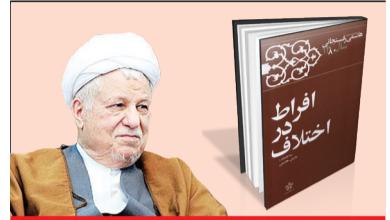
با وجود تمام این سهمیه‌های نوشته و نانوشته، جوانی که از سیستان و بلوچستان شروع می‌کند و به نقاط بالا می‌رسد، یک استثناست و نه قاعده. احتمالاً جوانی که در مناطق محروم است، یا به نظر خودش نمی‌تواند از مارپیچ سهمیه‌های نوشته و نانوشته عبور کند، انگیزه‌های هم برای ادامه دادن ندارد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتناعی

مدیرهی: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۱۲

ادامه چهارشنبه ۱۴ آذر اتمام کنفرانس پُن

کنفرانس پُن [برای تعیین سرنوشت افغانستان] با موفقیت تمام شد و بحران فلسطین تشدید شده و هر روز در مرز تیراندازی است. پاکستان، با اینکه کوتاه آمده و جمع زیادی از نیروهای مجاهد کشمیری لشکر طیب و جنبش محمد را بازداشت کرده، حتی [آسال بیپاری واجپایی]، نخست‌وزیر هند که در اجلاس نپال شرکت کرده است، گفته که حاضر نیست با [پرویز] مشرف، [رئیس‌جمهور پاکستان] ملاقات نماید.

پنج‌شنبه ۱۵ آذر مصاحبه در مورد وضع تورسیم

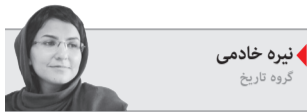
در منزل بودم. تب دارم، ولی روزه را گرفتم. عمده وقت به مطالعه بولتن‌های فراوان و گزارش‌ها گذشت. خانم سهیلا نوریان آمد. او فرزند یکی از همسایه‌های ما، قبل از پیروزی انقلاب در کوجه حسینی قلهک است. آن زمان به دنبال یک ازدواج ناموفق به فرانسه رفت. آنجا ازدواج کرده و چهار فرزند دارد. اکنون برای تهیه رساله دکتری خود در مورد وضع تورسیم در ایران، از سوی یونسکو به ایران آمده است. به عنوان مصاحبه درباره چشم‌انداز ۱۴۰۰ وقت گرفته بود، ولی بیشتر درباره ناکارآمدی مأموران ایران در ادارات جهانگردی گفت. پذیرفتم که اهداف ایران ۱۴۰۰ به خصوص بخش میراث فرهنگی و تورسیم را در نواری پُر کنم و به او بدهم. گفت، در معاشرت فراوانی که مدت دو ماه با ایرانیان داشته، فهمیده است که مردم ایران، آرزوی برگشت دولت سازندگی را دارند و معتقدند، با سیاست‌های سازندگی کشور به سرعت رو به توسعه رفته و آزادی‌ها هم به طور معقول رشد داشته و فساد مالی و اخلاقی هم مهار شده بوده، ولی هم‌اکنون علی‌رغم شعارها، وضعیت مهارگسیخته شده و نمونه‌ای را از یک راننده تاکسی نقل کرد که نسبت به خود او پیش آمده است. نتوانسته از جهانگردی اجازه بگیرد. به یاسر گفتم، کمکش کنند که بتواند اثر مناسبی برای معرفی مزیت‌های زیاد تورسیم و میراث فرهنگی ایران تهیه کند. گفت، بناسبت به پنج زبان منتشر شود.

در افغانستان، ترکیب دولت موقت، مورد اعتراض جناح‌های متعددی منجمه [عبدالرسول] سیاف، [محمد] اسماعیل خان، [عبدالرشید] دوستم و [گلبدین] حکمتیار قرار گرفته و عمدتاً به خاطر کمی سهم خود، ولی آمریکا از آن دفاع می‌کند و می‌گوید، با مخالفان مزاحم برخورد خواهد کرد. دیروز در اثر بمباران اشتباهی آمریکا در فرودگاه قندهار، جمعی از نیروهای نظامی آمریکا تلف شدند. آمریکا می‌گوید، سه کشته و چند زخمی، ولی طالبان گفته‌اند ۲۲ کشته. ضمناً شخص حامد کرزای، رئیس جدید دولت موقت هم جزو زخمی‌شدگان است که موجب جلب توجه مراکز سیاسی جهان شده و سوال‌ها و تفسیری‌هایی را برانگیخته است.

حامد کرزای اعلام کرده، طالبان پذیرفته‌اند که قندهار و سایر مراکز تحت تصرف خود را به شرط سالم و آزاد ماندن ملاعمر، به کرزای تحویل بدهند، ولی آمریکا این شرایط را نپذیرفته. کرزای اعلام عفو عمومی کرده است. برهان‌الدین ربانی، هنوز موضع رسمی در مورد دولت موقت نگرفته، ولی هم‌راهان او تمجید می‌کنند. تبلیغ زیادی در رسانه‌های غربی و عربی از نقش مثبت ایران در جریان کنفرانس پُن و به طور کلی در جریان حوادث افغانستانی می‌شود و معلوم است که حسن‌نیت در این تفسیرها نیست.

جنتلمن انقلابی

۱۰ سال از درگذشت سیدصادق طباطبایی گذشت



نیره خادمی
گروه تاریخ

سال ۱۳۵۹ وقتی سیدصادق طباطبایی به‌عنوان نماینده ایران برای حل ماجرای گروگان‌های آمریکایی به شهر بن آلمان رفت، وارن مینور کریستوفر، شصت‌وسومین وزیر امور خارجه آمریکا تصور می‌کرد که با فردی اورکت یا یک فرد روحانی روبه‌رو خواهد شد اما با فردی مواجه شد که شبیه جنتلمن‌های فرانسوی بود. او سال‌ها بعد در شرح خاطرات خود این‌گونه طباطبایی، نماینده ایران را روایت کرده است: «با کت‌وشلوار ابریشمی و کراوات که با زبان انگلیسی با من خوش‌ویش کرد. من بر روی یک فرش ایرانی ایستاده بودم و با مردی مودب و خندان روبه‌رو شده بودم». سیدصادق طباطبایی یکی از افراد تاثیرگذار در دوران انقلاب ایران بود که جز نسبت فامیلی با خانواده امام خمینی مدتی هم سمت معاون وزارت کشور و سپس سخنگوی دولت موقت را بر عهده داشت. خواهر صادق طباطبایی با مرحوم احمد خمینی ازدواج کرده و خود نیز داماد سیدمهدی صدر، خواهرزاده امام موسی صدر بود به همین دلیل برای حل مساله گروگان‌گیری با میانجیگری آلمانی‌ها هم مورد اعتماد قرار گرفت. پنجم فروردین سال ۱۳۲۲ در شهر قم به دنیا آمد و در سومین روز اسفند سال ۱۳۹۳ و با واسطه سرطان ریه از دنیا رفت. سازندگی به همین مناسبت به زندگی و برخی اقدامات سیدصادق طباطبایی در دوران پیش و پس از انقلاب پرداخته است.

تحصیل در آلمان

سیدصادق طباطبایی پیش از مدرسه به مکتب‌خانه می‌رفت و در آنجا بابت حفظ هـر سوره قرآن جایزه‌ای از پدر بزرگش، مرحوم آیت‌الله صدر دریافت می‌کرد. او در دوران دبیرستان به روزنامه‌نگاری علاقه‌مند شد و انتشار روزنامه دیواری مدرسه را بر عهده گرفت اما در خرداد ۱۳۴۰ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. طباطبایی ۱۷ سال در آلمان به سربرد و البته در این مدت، سفرهای کوتاهی هم به عراق، لبنان و برخی دیگر کشورهای اروپایی هم به واسطه دیدار با خواهر، پدر بزرگ و برخی دوستان خود داشت. او هم‌زمان با تحصیل در رشته بیوشیمی مبارزات سیاسی و اجتماعی را ادامه می‌داد و موفق به اخذ درجه دکتری در شاخه آنزیمولوژی و ژنتیک شد. خیلی زود و در ۳۲ سالگی به‌عنوان استاد دانشگاه بوخوم مشغول شد، در سال ۱۳۵۰ به عضویت «جامعه پژوهشگران آلمان» درآمد و در طول دوران زندگی خود، کتاب‌هایی چون «طول ماهواره و افسول فرهنگ» و «تکنوپولی» و «زندگی در عیش مردن در خوشی» و «زوال دوران کودکی» را هم نوشت.

بر عهده گرفتن مسئولیت برگزاری فراندوم

در جریان انقلاب اسلامی صادق طباطبایی از جمله افرادی بود که با پیروزی ایران در ۱۳۵۷، زمانی که هوایمای ایرفرانس وارد فضای ایران شد از پنجره به خاک ایران نگاه کرد و اشک از چشمان‌شان سرازیر شد. او سپس از حضور در ایران در معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور مشغول شد و برگزاری فراندوم را عهده‌دار شد. طباطبایی در بخشی از خاطرات خود درباره دستور برگزاری فراندوم

ماجرای گروگان‌گیری

پس از اشغال سفارت ایالات‌متحده آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام مذاکره با آمریکا از چند کانال انجام شد و نخستین تلاش‌ها در این راه از سوی سیدصادق طباطبایی در سمت سخنگوی دولت موقت انجام شد. او مذاکرات خود را با هماهنگی امام خمینی و با توجه به دوستانی که در آلمان داشت، از طریق آلمان آغاز کرد. طباطبایی اسفند سال ۱۳۹۳ تنها کمی پیش از اینکه جهان را ترک کند، در گفت‌وگو با خبرنگاران به برخی خاطرات آن دوران اشاره کرد. او در بحبویه جریان گروگان‌گیری سفارت، کمی پیش از آغاز جنگ تحمیلی نامه‌ای ۲۵ صفحه‌ای با موافقت کارتر را دریافت کرد که متضمن پذیرش چهار شرط از سوی ایران بود. قرار بر این بود که امام خمینی در سخنرانی خود، این چهار شرط را اعلام کند، بنابراین در روز موعود «همیلتون جردن»، سخنگوی کاخ سفید همراه جیمی کارتر و مترجمین در اتاقی پای سخنرانی نشستند. سخنرانی با مسائل معنوی و اخلاق آغاز شد و آنها در نهایت شروط را از او شنیدند، نگاهشان را به یکدیگر دوختند و خوشحال شدند. کارتر با شنیدن این جملات رو به وارن کریستوفر، کرد و گفت: «تو خودت برو و با نماینده ایران وارد گفت‌وگو و تعامل شو. پیداست که جای درستی آمده‌ام». چند روز بعد از طریق وزارت خارجه آلمان، پاکتی به صادق طباطبایی داده شد. پاکت حاوی نامه ۲۵ صفحه‌ای جیمی کارتر بود که در آن به پذیرفتن شرایط پرداخته و ضرب‌الاجل زمانی را تعیین کرده بود که تا ماه اکتبر که که آغاز برنامه‌های انتخاباتی آمریکاست این مساله تمام شود. بازگشت صادق طباطبایی به تهران اما هم‌زمان شد با آغاز جنگی تحمیلی عراق علیه ایران و بمباران فرودگاه مهرآباد، بنابراین ورود او به ایران یک هفته زمان برد. در نهایت هوایمای طباطبایی با اسکورت جت‌های جنگی در فرودگاه مهرآباد نشست و نامه کارتر پس از طی سلسله مراتب به هاشمی‌رفسنجانی در مجلس رسید تا به آن رسیدگی شود اما برخی ترجیح دادند ماجرا از طریق الجزایر حل شود. صادق طباطبایی اما اعتقاد داشت که این موضوع شکل گرفته تا این مذاکرات به ثمر نرسد بنابراین حتی، همراه گروه اعزامی به الجزایر رفت و ماجرا از طریق دولت پیگیری شد.

تقویم

شرق‌شناسی انگلیسی که عاشق ایران شد درباره ادوارد براون



ادوارد گرانویل براون، ایران‌شناس انگلیسی بود که نقش زیادی در تحقیق و درک فرهنگ و تاریخ سیاسی معاصر ایران و شناساندن غرب و شرق به یکدیگر داشت. او در سال ۱۸۸۷ میلادی به ایران سفر کرد و بعدها با خلق آثار ماندگاری چون تاریخ ادبیات ایران و انقلاب مشروطیت به شهرت زیادی دست یافت. براون ۷ فوریه ۱۸۶۲ به دنیا آمده بود و ۵ ژانویه ۱۹۲۶، ۶ ماه پس از درگذشت همسرش در ۶۴ سالگی از دنیا رفت.

او پسر مردی بود که کارخانه کشتی‌سازی داشت اما برخلاف میل پدر مسیر دیگری را برای زندگی در پی گرفت و با یادگیری زبان ترکی، عربی و فارسی عشقی در او شعله‌ور شد که تا پایان عمر ادامه یافت. زمانی که در دانشگاه کمبریج درس می‌خواند با سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم‌خان آشنا شد و بعد برای تحقیق و مطالعه و سیاحت به ایران آمد و مدتی هم در شهرهای یزد، کرمان و تهران سکونت یافت.

مسیر سفر ادوارد جوان، همان راه کاروان‌رو و قدیمی طرابزون و ارزروم بود که بعد از گذر از ترکیه به تبریز رسید و بعد به اصفهان، تهران، شیراز، یزد و کرمان و شهرهای دیگر رفت. عیسی صدیق، نویسنده و از سیاست‌گذاران و کارگزاران فرهنگی دوره پهلوی درباره خانه شخصی و زندگی خصوصی او می‌گوید: «بالای مدخل عمارت به خط ثلث نوشته شده بود: مرحبا و اهلاً و سهلاً». در خانه مذکور همه چیز ایران را به یاد انسان می‌آورد. کتابخانه شخصی براون با چند هزار جلد کتاب و رساله مرقع به فارسی و عربی، اثاثیه خانه از فرش و قلمکار و سفره و پرده و رومی‌زی و ظرف و قلیان و تصویر و عکس و امثال آن، انگشتری عقیق با سجع ادوارد براون در دست داشت و زنجیر ساعتش از دانه‌های فیروزه به شکل تسبیح بود». ادوارد براون آثار متعددی در زمینه تاریخ و ادبیات ایران نوشت از جمله «یک سال در میان ایرانیان» که سفرنامه‌ای است که تجربیات براون از زندگی در ایران در دوران قاجار را به تصویر می‌کشد. «تاریخ ادبیات ایران»، اثر چهارجلدی او است که به بررسی تاریخ ادبیات فارسی از آغاز تا قرن بیستم می‌پردازد. این کتاب در واقع با اهمیت‌ترین اثر این محقق سرشناس درباره ادبیات ایران است که نوشته آن ۳۰ سال به طول انجامید. او «تاریخ مشروطیت ایران» را به‌عنوان کتابی جامع درباره انقلاب مشروطه و وقایع آن دوره به رشته تحریر در آورد و در ادامه حتی مطبوعات ایران را هم مورد بررسی عمیق خود قرار داد و کتاب «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت» را نوشت. «تاریخ طب اسلامی» و «حکومت وحشت در تبریز» از جمله کتاب‌های دیگر ادوارد براون است. او بدون بهره و چشم‌داشت مادی، اوقات بسیاری را صرف فهرست‌برداری از متون خطی کهن اسلامی دانشگاه کمبریج و سایر موسسات آموزشی انگلستان کرد و طی ۱۰ سال آخر عمر، کتب خطی بسیار و نیز دو کتابخانه را که دارای کتب خطی فارسی بود، خریداری کرد؛ از ۴۶۸ کتاب خطی که در کتابخانه شخصی او که بعدها به دانشگاه کمبریج تقدیم شد ۵۷ جلد آن مربوط به نسخ خطی فارسی بود.